

۲	سالشمار
۳	نگاهی اجمالی به زندگی مرحوم آقای میلانی <small>رحمته الله علیه</small>
۴	شخصیت علمی (نجف، کربلا، مشهد)
۸	تحول حوزه علمیه مشهد
۱۲	جایگاه مرجعیت و علمیت
۱۴	ویژگی های عرفانی و اخلاقی
۱۷	فعالیت های تبلیغی
۱۸	ارادت و سرسپردگی به ساحت مقدس معصومین <small>علیهم السلام</small>
۲۰	فعالیت اجتماعی و سیاسی
۲۱	مقاله: إرادة تشریحی و إرادة تشریح
۲۲	آثار و تالیفات
۲۲	فراخوان ارسال آثار «بر قله فقاها»
۲۳	مرحوم آقای میلانی <small>رحمته الله علیه</small> در سخن بزرگان
۲۴	درباره مؤسسه آیت الله العظمی المیلانی <small>رحمته الله علیه</small>

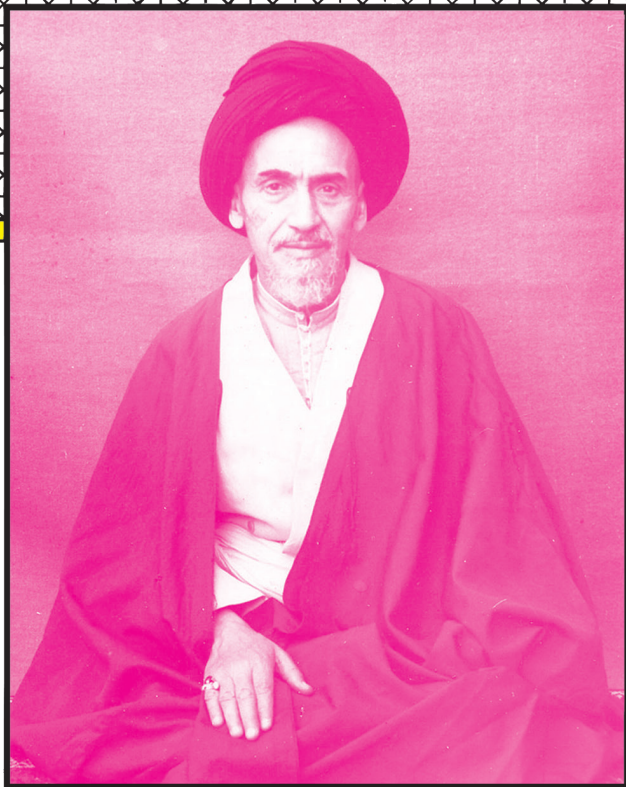
مشهد مقدس
چهارراه خسروی، کوچه شوکت الدوله
کوچه مرحوم آیت الله قمی رحمته الله علیه
۰۵۱-۳۲۲۴۰۱۲۵



سالشمار وقایع قابل تأمل از حیات آیت الله العظمی میلانی رحمته الله علیه

روز ۲۹ رجب، ارتحال ملکوتی، و به خاک سپاری در کنار مرقد حضرت ثامن الائمه <small>علیه السلام</small>	۱۳۹۵	۱۳۵۴ش	بروز علائم سرطان در مرحوم آقای میلانی <small>رحمته الله علیه</small>
ملاقات با مفتی اهل تسنن لبنان، شیخ حسن خالد	۱۳۹۴	۱۳۹۵	
ملاقات با شیخ محمد الفحام رئیس الأزهر مصر در مشهد	۱۳۹۱	۱۳۹۳	ملاقات با شیخ احمد کفتارو، مفتی سوریه
کمک فراوان به بازسازی خراسان پس از زلزله گناباد	۱۳۸۸	۱۳۸۹	بیماری مجدد و تحولات معنوی پزشکان هنگام معالجه ایشان
فتوای قطع رابطه با اسرائیل به دنبال جنگ شش روزه	۱۳۸۳	۱۳۸۴	تکمیل و راه اندازی مسجد هامبورگ و ارسال نماینده جهت اداره آن
بیماری و بستری شدن در مشهد و اسلام آوردن پروفسور بولون	۱۳۸۲	۱۳۸۳	تاسیس مدرسه حقانی در قم به کمک ایشان
انتشار رساله فارسی در تهران	۱۳۸۰	۱۳۸۱	صدور مصوبه ممنوعیت فروش شراب در شهرهای مذهبی با تلاش ایشان
پایه‌گذاری چهار مدرسه علمیه که هر کدام به صورت تخصصی روی کار خود متمرکز بود			اجرای نظام نوین آموزشی، به واسطه ورود متون جدید، حضور و غیاب و امتحان برای اولین بار در حوزه‌های علمیه
با برقرار کردن درس و تدوین مسیر جدید درسی به حوزه علمیه مشهد جدیت بخشیدند		۱۳۷۸	خرید مسافر خانه و تبدیل آن به مدرسه علمیه در مشهد
ورود به مشهد در روز عرفه و استقرار در منزل مرحوم میرزا علی اکبر نوقانی	۱۳۷۳		ایشان با اصرار علمای مشهد تصمیم به اقامت و فعالیت در حوزه مشهد گرفتند
سفر حج از کربلا، در این سفر فرزندشان سید عباس در خدمتشان بود	۱۳۷۰	۱۳۷۲	ملاقات دکتر فاطمی وزیر خارجه دولت مصدق با ایشان در کربلا
سفر دوم به سوریه و لبنان، دیدار و مذاکره با علمای شیعه: شیخ حبیب آل ابراهیم در بعلبک و علامه شرف الدین در صور	۱۳۵۹	۱۳۶۳	سفر به ایران (قم، تبریز، مشهد). در این سفر ایشان به میلان نیز رفتند و با آشنایان دیدار کردند
اقامه نماز جماعت حرم مطهر سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> توسط ایشان در مدت حضورشان در کربلا		۱۳۵۷	سفر به سوریه و لبنان به همراه عالم و محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی
سفر از نجف به کربلا، به درخواست حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی <small>رحمته الله علیه</small> برای تقویت حوزه کربلا	۱۳۵۶		تدریس ابواب مختلف فقهی و اصولی، تفسیر، کلام و بحث در شرح تجرید الاعتقاد
مقابله و تصحیح کتاب وسائل الشیعه با نسخه خطی مؤلف. این مباحثه علمی هشت سال به درازا می‌انجامد			تدریس خارج فقه و اصول در حوزه نجف
تحصیل خارج نزد آیات عظام نائینی، غروی اصفهانی، آقا ضیاء عراقی <small>رحمته الله علیه</small>			ایشان در دهه سوم عمر خویش به مرتبه اجتهاد رسید
وفات پدر ایشان سید جعفر حسینی میلانی	۱۳۲۹		تحصیل مقدمات و سطوح نزد اساتید مبرز، و مشاهده نشانه‌های نبوغ در ایشان توسط اساتید
	۱۲۷۴ش	۱۳۱۳ق	ولادت در هشتم محرم الحرام، در نجف اشرف





آیت الله شمس

در دوره تحصیلم اساتید زیادی دیده بودم و از نظر دقت واقعا مانند ایشان ندیدم.

درس ایشان در نجف اشرف کمأ و کیفأ با عظمت بوده و در آن حوزه بزرگ، شاگردانی محقق و متفکر تربیت کردند.

در اواسط عمر شریفشان مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی رحمته الله از آن مرحوم دعوت نمودند تا به جهت تقویت حوزه علمیه کربلا، در آنجا اقامت گیریند. ایشان دعوت را پذیرفتند و طی اقامت چند ساله در آن شهر مقدس به تدریس پرداخته و عدّه کثیری از فضلا را به مراحل علمی رساندند.

به همین علت بود که وقتی ایشان به قصد زیارت به مشهد مقدس مشرف شدند، علما و فضلاء آن حوزه از حضورشان درخواست اقامت نمودند.

ایشان با ساماندهی حوزه علمیه مشهد و ایجاد نظم در برنامه های آموزشی و تاثیر بُعد علمی بلندشان بر حوزه، تحولی در حوزه علمیه مشهد ایجاد کردند و تاثیر عمیقی در تربیت طلاب گذاشتند. شاگردان ایشان نمونه ای روشنی بر این مدعا هستند.

در این ایام علاوه بر تدریس، به فعالیت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اشتغال داشته و خدمات ایشان در زمینه های تأسیس مدارس علمیه، اعزام مبلغ، ملاقات با شخصیت های جهان اسلام و... به اوج خود می رسد.

آن مرحوم بر ادبیات فارسی و عربی تسلط زیادی داشتند و دارای خطی زیبا و انشاء و املا جالبی بودند. و با ادبای معاصر خود جلساتی داشتند. مکاتباتشان بهترین شاهد بر قریحه ادبی وی می باشد. اشعار باقی مانده از ایشان که در ایام جوانی به عربی سروده اند از مهارتشان در ادبیات حکایت می کند.

ایشان در روز آخر ماه رجب ۱۳۹۵ قمری (۱۷ مرداد ۱۳۵۴ شمسی) در مشهد دعوت حق را لبیک گفتند و پس از تشییع باشکوه در حرم مطهر حضرت رضا رحمته الله پشت سر مبارک امام رحمته الله به خاک سپرده شدند.

نگاهی اجمالی به زندگی مرحوم آیت الله العظمی میلانی رحمته الله

سید محمد هادی حسینی میلانی در روز هشتم محرم الحرام سال ۱۳۱۳ قمری (۱۲۷۴ شمسی) در نجف اشرف و در خاندانی چشم به دنیا گشود که از نظر فقاومت، شرافت و وارستگی از برترین خاندان و در پرهیزکاری و بزرگی مثال زندنی بود.

وی زاده ساداتی شرافتمند است که نسبشان به حضرت سید الشهداء رحمته الله می رسد. او در دامان پدر و مادری با فضیلت و کرامت، و دارای جایگاه رفیع علمی رشد کرد.

سید محمد هادی هوش و قریحه ای سرشار داشت و از سرعت انتقال بالایی بهره می برد. او تمام همت خود را معطوف بهره بردن از دریای ژرف معارف اهل بیت رحمته الله نمود. ایشان در سن ۱۶ سالگی دروس سطح را به پایان رساندند و در میان هم سن و سالان خود شهرت یافتند.

آیت الله العظمی میلانی

وقتی دوازده ساله بودم فراگیری اصول کافی و شرح آن را به پایان رساندم.

در حالی که هنوز رسائل و مکاسب می خواندند در خود قابلیت حضور در درس خارج اصول مرحوم آخوند را احساس کردند. ایشان از پشت بام مدرسه قوام، مجاور مسجد شیخ طوسی که مرحوم آخوند درس می گفتند به درس گوش می کردند.

آیت الله العظمی میلانی

به دلیل کم سن و سالی شرم می کردم که در بحث مرحوم آخوند حاضر شوم.

ایشان در دروس مقدماتی و سطوح مختلف حوزه در محضر اساتیدی حضور یافت که جامع بین علم و تقوا بودند. مرحوم آقای میلانی توانستند آراء و نظریه های هر سه استوانه علمی عصر خویش (مرحوم آیت الله العظمی نائینی و مرحوم آیت الله العظمی غروی اصفهانی و مرحوم آیت الله العظمی عراقی رحمته الله) را به دقت فرا گرفته و در دهه سوم از عمر مبارک خود به مرحله اجتهاد برسند. و علاوه بر این جامع علوم اسلامی نیز بوده اند.

ایشان از همان اوایل، مورد توجه بزرگان حوزه و فضلاء واقع شده و به دقت نظر و تحقیق معروف گشتند.



شخصیت علمی

اصفہانی (معروف به کمپانی م ۱۳۶۱).

۴. مرحوم آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی (م ۱۳۶۱).

فلسفه را از محضر مرحوم آیت الله سیدحسین بادکوبه‌ای (م ۱۳۵۸) و آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی اصفہانی و اخلاق را نزد مرحوم آیت الله میرزا علی قاضی طباطبائی (م ۱۳۶۶) و مرحوم آیت الله سید عبدالغفار مازندرانی (م ۱۳۶۵) و علم مناظره و تفسیر را از علامه عالیقدر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد جواد بلاغی و ریاضیات را از مرحوم آقا سید ابوالقاسم خوانساری (م ۱۳۸۰) فرا گرفتند و جامع معقول و منقول گردیدند.

وی در نجف اشرف نخست به تدریس سطوح عالیہ و سپس به تدریس خارج فقه و اصول پرداختند.

آیت الله شمس

این مسأله نزد همه آقایان معلوم بود که افراد به منظور فهمیدن آرای حاج شیخ [علامه غروی اصفہانی] به آیت الله میلانی رجوع می‌کردند. جز ایشان کسی در حوزه علمیه نجف نبود که بتواند از کلمات حاج شیخ سر در آورد.

در همین دوره با جمعی از بزرگان نجف و هم دوره‌ای‌های خود، چون آیت الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، علامه سید محمدحسین طباطبائی، محدث قمی و آیت الله سید صدرالدین جزایری، به مقابله و تصحیح کتاب وسائل الشیعة می‌پردازند و کتاب را با نسخه مؤلف مقابله می‌کنند. این مباحثه علمی هشت سال به طول می‌انجامد.

دوران کربلا (۱۷ سال)

از سال ۱۳۵۶ ق تا هنگام عزیمت به مشهد، یعنی ۱۳۷۳ ق که ۱۷ سال به طول می‌انجامد، در کربلا زندگی می‌کنند. در آن روزگار، مرحوم حضرت آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفہانی، زعامت شیعه و حوزه‌های علمیه جهان تشیع را بر عهده داشتند. ایشان سخت مایل بودند که حوزه علمیه کربلا، بار دگر احیا گردد؛ چرا که این حوزه پس از مرحوم آیت الله العظمی وحید بهبهانی رو به زوال نهاده بود.

آیت الله سید مرتضی قزوینی

مرحوم آقای میلانی بمنزله روح حوزه علمیه کربلای معلی بود. بخصوص بحث خارج اصول ایشان مشهور بود زیرا ایشان مشهور به تحقیقات اصولی بودند. از کسانی که نزد ایشان تلمذ می‌نمودند، مرحوم آیت الله سید ابراهیم علم الهدی [سبزواری] و مرحوم آیت الله حاج آقا حسن قمی (که بعد از مراجع مشهد مقدس شدند) را به یاد دارم.



دوران نجف (۴۳ سال)

این دوره از ولادت، یعنی ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۵۶ ق ادامه دارد و ۴۳ سال به طول می‌انجامد. ایشان در این دوران دروس خود را از ابتدا تا سطوح عالیہ در حوزه علمیه نجف سپری می‌کند و علاوه بر دروس رایج فقه و اصول، علوم دیگری چون تفسیر، ریاضیات، فلسفه، حدیث و اخلاق را نزد استادان برجسته آن زمان تلمذ می‌کند.

مقدمات علوم را در خدمت اساتید عالی‌قدر حوزه علمیه نجف اشرف، چون مرحوم آقا میرزا ابراهیم همدانی و آخوند ملا حسن تبریزی و دیگران فرا گرفت و سطح را نزد عده‌ای از بزرگان مجتهدین چون آقا شیخ ابراهیم سالیانی (م ۱۳۴۳) و مرحوم آقا سید جعفر اردبیلی و مرحوم حاج میرزا علی ایروانی (صاحب حاشیه بر مکاسب و حاشیه بر کفایه، م ۱۳۵۴) و مرحوم آقای شیخ غلامعلی قمی (سامرابی) و دایی بزرگوارشان آقای شیخ ابوالقاسم مامقانی (م ۱۳۵۱) تحصیل کردند.

آیت الله زاده معظم، مرحوم حاج سید محمد علی میلانی

این خاطره را علاوه بر مرحوم پدرم از مرحوم آیت الله العظمی خویی هم شنیده‌ام. می‌فرمودند ما بعد از اینکه از درس می‌آمدیم در راه هم مشغول بحث بودیم، چون مادر من در خانه تنها بود و می‌ترسید، برای اینکه در خانه نترسد، دم در حیاط می‌نشستند و بحث می‌کردند. این موضوع را از مرحوم آیت الله العظمی خویی مکرر می‌شنیدم و ایشان متبسم بودند. می‌گفتند گاهی وقت‌ها بحث ما به آنجا می‌کشید که کشیک‌چی‌ها می‌آمدند [و] می‌گفتند اذان صبح شده، بلند شوید برای نماز صبح.

اساتید ایشان در درس خارج فقه و اصول عبارت‌اند از:

۱. مرحوم آیت الله العظمی شیخ الشریعه اصفہانی (م ۱۳۳۹).

۲. مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی (م ۱۳۵۵).

۳. مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسین غروی



دوران مشهد (۲۲ سال)

ایشان در روز عرفه سال ۱۳۷۳ قمری مصادف با ۱۸ مرداد ۱۳۳۳ شمسی وارد مشهد مقدس شدند و تا پایان عمر، یعنی ۲۹ رجب ۱۳۹۵ قمری مصادف با ۱۷ مرداد ۱۳۵۴ شمسی به مدت ۲۲ سال در این شهر زندگی کرده اند.

آیت الله معصومی

ایشان جداً مصداق همان، علماء اُمّتی انبیاء سلف، علماء اُمّتی کَنجوم السموات، ﴿هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ﴾، ﴿مَا لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ﴾ بودند. تمام این آیات و روایاتی که در مدح یک مرجع مقتدر و عالی مقام، عالم روحانی برجسته وارد بود، اینها همه با این شخص به خوبی تطبیق می‌کرد. من اینها را وقتی در خدمتشان بودم از نزدیک دیدم.

این مقطع، دوران مرجعیت ایشان است و شخصیت علمی و عملی آیت الله میلانی در دوران سکونتشان در مشهد مقدس ظهور و بروز می‌یابد.

آیت الله العظمی میلانی

درباره صحیحه ابي ولاد ایشان می‌فرمایند) و چون در ابتدا وعده ای کرده بودم که نسبت به صحیحه مبارکه ابي ولاد که شیخ فرمودند فواندی دارد، وعده ای دادم که تا حدی که به دستمان می‌آید فوایدی بیان کنم، حالا به عنوان اینکه تکمیل یا تنبیه، بیان می‌کنم ان شاء الله، حالا آن مقداری که به فکر رسید ۱۲ فائده از این صحیحه استفاده می‌شود، شاید هم بیشتر بشود ولی دلم می‌خواهد ضبط کنید، چون فعلاً در نظرم نیست کسی از بزرگان متعزّض شده باشد لذا دلم می‌خواهد این را ضبط کنید.

آیت الله العظمی وحید خراسانی

این مرد شناخته نشد و مقام ثبوتش به عقیده من از همه جهات زائد بر مقام اثباتش بود. چون نسبت بین ثبوت و اثبات عموم من وجه است. ولی ایشان از کسانی بود که آنچه داشت ثبوتاً، علماً، عملاً، بر اثباتش به مراتب می‌چربید.

از روز ورودشان، علما و فضلاء حوزه و طبقات مختلف مردم، تقاضا و اصرار نمودند که ایشان برای تدریس و اداره شوون حوزه علمیه مشهد در این شهر اقامت نمایند. ایشان که برای زیارت آمده بودند، موافقت نکردند و بنا داشتند به کربلا برگردند، لکن با اصرار آقایان ملزم به استخاره شدند و آیه مبارکه «وَأَتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخْرُجَ إِلَيْكَ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» ایشان را متقاعد کرد که مدت سه ماه در مشهد مقدس توقف کنند.



از همین روی، حضرت آیت الله آقا سید ابو الحسن اصفهانی، طی حکمی به دو شخصیت بزرگ و نامدار حوزه علمیه نجف، یعنی حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی، از آنان درخواست هجرت به کربلا را نمودند. آقایان که مدرّشان بزرگ حوزه نجف بودند، امتثال امر کردند و به کربلای معلّی هجرت کردند. مرحوم آقای میلانی تا هنگام تشرف و استقرار در حوزه علمیه مشهد، در کربلا ماندند و منشأ آثار فراوان علمی و حوزوی شدند.

آیت الله شمس

می‌دانید که آیت الله میلانی، مدتی در حوزه علمیه کربلا بودند. ایشان در آن حوزه، همواره مرجع کسانی بودند که برای فهم و درک کلمات حاج شیخ سراغشان می‌آمدند. در کربلا هم مشهور بود که ایشان شارح آرای استاد عالیقدرشان حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی است.

باید گفت که ایشان در حوزه علمیه کربلا، حلقه درسی گسترده‌ای داشتند و شاگردان بسیار می‌زری تربیت کردند که برخی از آنان به مرتبه رفیع اجتهاد و مرجعیت شیعه دست یافتند.

ایشان در این ایام به جز تدریس درس خارج فقه و اصول که اکثر ابواب فقهی را شامل می‌شد، به تدریس تفسیر و تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی اهتمام داشت و کتاب تفسیر سوره جمعه و تغابن محصول این ایام است.

آیت الله دکتر سید فاضل حسینی میلانی

ایشان، به راستی از نمونه‌های جامع و کامل و در عین حال بسیار کمیاب هستند. غیر از عرصه‌های فقه و اصول که در آن‌ها یک تاز شناخته شدند. در حوزه تفسیر قرآن کریم، در کربلا فعال بودند.



یاد بگیرید آنچه را که می گویم، توجه کنید نه خیال کنید در کتاب نوشته شده که می گویم؛ پیدا نمی کنید ... من حیفم می آید به اینکه گاهی بعضی رفقا خیال می کنند این حرفها جایی نوشته شده است و می گویند نگاه می کنیم، پیدا می کنیم... این نیست، آنچه را که می گویم ضبط کنید و بعد به هر کتابی که دلتان می خواهد نگاه کنید.

فضلا و طلبه ها هم در مقابل ایشان مخالفت نمودند و اظهار داشتند که درس در مسجد گوهرشاد یا در مدرسه نواب برگزار گردد، اما مرحوم میلانی با آن درایت و ادب و کمالی که در مسیر اجتهاد در دلشان موجود بود، طلبه ها را قانع کردند که ما به برکت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه درس اول را تیمناً و تبرکاً در مهدیه که متعلق به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الیه است، شروع می کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین امینی سبزواری

عده ای از علمای لبنان وارد مشهد شدند، سه یا چهار نفر بودند. قیافه ها گیرا با محاسن سفید. معلوم بود از شخصیت های علمی بودند. آقا به جهاتی فرمودند این امینی مورد توجه من است. اظهار محبتی نسبت به من فرمودند. این قضیه گذشت، شب این مجموعه پای درس مرحوم آقا رسیدند. همه طلبه ها به این افراد توجه داشتند. از احترام آقا معلوم بود اینها از نظر علمی جایگاهی دارند. آقا درس را فرمودند. بعد از درس من نزدیک اینها بودم. یکی از اینها به طور شکسته فارسی حرف می زد. با توجه به برخورد صبح، به من گفت: احساس کردیم آقا به شما علاقه دارد. سعی کنید در کنار آقا باشید. نمی دانی چه علومی مرحوم آقای میلانی در سینه دارند که هیچکس ندارد. چه علوم مصطلح و چه غیر مصطلح. اساتیدی که ایشان دیدند و آنچه که از شخصیت های علمی استفاده کردند و یک سلسله علوم دیگری که ایشان دارند را دیگران ندارند. سعی کنید در علوم از مرحوم آقا استفاده کنید.

بالاخره درس اول در مهدیه مشهد تشکیل شد، طلبه ها و فضلا آمدند و پذیرایی بسیار خوبی انجام شد، مرحوم آقای میلانی به منبری که در گوشه مهدیه بود تشریف برده و درس را از اول علم اصول آغاز نمودند.

آیت الله العظمی میلانی

(اشکال بر مرحوم شیخ انصاری که می فرمایند) ... و لو بزرگ اند شیخ، و لکن سهو القلم از ایشان است و عیب ندارد.

آیت الله قاضی

آقای رحیمی می گفتند خدمت آیت الله العظمی خوبی نشسته بودم. صحبت از آیت الله میلانی پیش آمد، ایشان فرمودند: این مرد نهنگی است در علم، این مرد مجهول



آیت الله شمس

مرحوم آقای میلانی، عالمی بزرگوار بود که کمتر کسی جامعیت ایشان را در دروس فقه و اصول داشت. بنده با ایشان خیلی نزدیک بودم و حتی خیلی خصوصی شده بودم و خواه ناخواه به امتیازهای علمی و فقهاتی شان آشنا بودم. اعتقاد من این است، تا وقتی که مرحوم آقای میلانی به مشهد مشرف نشده بودند، حوزه علمیه مشهد چنان عالمی جامع و کامل به خود ندیده بود. اصلاً مثل مرحوم آقای میلانی در حوزه مشهد نبوده است.

ایشان از کلمه «واصبر» دریافتند که در این جا مشکلاتی هم برایشان خواهد بود، ولی باید در برابر ناملایمات صبر کنند و کارشان را دنبال نمایند و میدان را خالی نکنند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر افتخارزاده

اگر مرحوم آقای میلانی در دوران مرجعیت خود درس فلسفه را در مشهد برگزار می کردند، کمتر از علامه طباطبایی نبودند. اساساً اصول مرحوم آقای میلانی، بر بعضی مبانی فلسفی استوار شده است، که شاید از اصول مرحوم آیت الله خوبی بالاتر بود.

مرحوم آقای میلانی در مشهد رحل اقامت افکندند و حوزه درس و بحث تشکیل دادند. و در همین مدت کوتاه تصمیم گرفتند بحثی را شروع کرده بحث اجاره- و تدریس نمایند که تدریس ایشان فضلا را مصمم کرد تا خواستار اقامت همیشگی ایشان شوند و آن مرحوم با قبول این تقاضا، عزم رحیلشان را مبدل به اقامت کردند.

وقتی قرار شد ایشان درس را شروع کنند، مرحوم حاج آقای عابدزاده، یکی از مقدسین و صاحب بنای مهدیه و عسکریه، درخواست کردند که با تبرک جستن به حضرت ابا صالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الیه درس را در مهدیه شروع نمایند.





فقه، «مکاسب» بوده که تا اواخر «مسأله فضولی» را بحث کردند که مجموعه این ابحاث تحت عنوان «محاضرات فی فقه الإمامیة» در شش جلد تدوین شده است.

استاد محمدرضا حکیمی

من هفت سال در درس خارج ایشان حاضر شدم. ایشان به جز اطلاع از آرای قدما و اصولیین مانند شیخ طوسی و سید مرتضی و متأخرین نظیر شیخ بهایی، از مبانی شیخ انصاری و آخوند خراسانی نیز به خوبی آگاه بود و چون خود شاگرد آیات: میرزای نائینی، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و آقاضیاء عراقی بود، لذا به سه جریان اصولی پس از کفایه، تسلطی کامل داشت و بلکه از این جهت منحصر به فرد بود.

شاید مهم‌ترین وجه خدمات علمی مرحوم آقای میلانی را در پرورش ده‌ها مجتهد و شاگردان بی‌شماری که امروزه بسیاری از آن‌ها در حوزه‌های علمیه و مدارس دینی و جامعه به تدریس و تبلیغ مشغولند، دانست. اصولاً کلاس درس ایشان، دقیق و مجتهد پرور بود.

آیت الله معصومی

من وقتی نجف رفتم بیشتر متوجه شدم که حضرت سیدنا الاستاذ آية الله العظمی میلانی چه مقام ارجمندی دارند، همواره ما در نجف به یاد ایشان بودیم. خود فضلاء نجف در مذاکرات، همه معترف بودند که مرحوم آقای میلانی بالاتر از مقامی است که در مشهد فرصت را غنیمت شمردند. این بزرگوار مشهدهی‌ها و حوزه را نگه داشتند.

یکی از شاگردان ممتاز ایشان حضرت آیت الله سید ابراهیم علم الهدی (سبزواری)، همان مطالب درسی (فقهی و اصولی) را مجدداً به طور عمیق، برای طلاب تدریس می‌کرد و این شیوه، در آموزش شاگردان بسیار کارساز و مؤثر بود.

است، نمی‌فهمند که او کیست. شخصیتی است که از نظر علمی و فضلی مردم او را نمی‌شناسند. مقام و شخصیت ایشان برای مردم مجهول است.

برای روزهای بعد درس به مسجد گوهرشاد منتقل گردید. پس از آن مرحوم آقای میلانی در مسجد جامع گوهرشاد تدریس می‌کرد.

آیت الله العظمی وحیدخراسانی

آیت الله العظمی غروی اصفهانی بعد از اینکه سکتته کردند و در بیمارستان بغداد، عکسی از مغزشان برداشتند، گفتند: مغز این مرد، به قدری پیچیده است که اگر در اروپا بود، از کاشف اتم هم برتر بود. حضرت آیت الله میلانی، ۲۵ سال در محضر چنین استادی درس خواند و به مبانی فکری او دست یافت. رابطه این شاگرد و استاد، نشان می‌دهد که حضرت آیت الله العظمی میلانی، از لحاظ علمی و حوزوی، در چه مقام و منزلت والایی است. افکار آیت الله کمپانی در دست آیت الله میلانی بود.

حوزه درس ایشان از اهمیت خاصی برخوردار بود. علما، فضلا و برجستگان حوزه در درس ایشان شرکت می‌کردند. مجلس بحث ایشان امتیاز خاصی داشت، طلاب علوم را جذب می‌کرد و نیازها را برآورده می‌نمود؛ به همین علت کرسی درس ایشان شلوغ‌ترین درس خارج مشهد محسوب می‌شد.

آیت الله العظمی میلانی

دلّم می خواهد رفقا گوش بدهند، چه بگویم - تأملی ناشی از تواضع - غرض؛ تصور می‌کنم، خیال می‌کنم این طورهایی که بنده می‌گویم در جایی نوشته نشده است.

معظم له در مشهد مقدس یک دوره اصول و در فقه کتاب‌های اجاره، صلاة، خمس و زکات را تدریس فرمودند و آخرین درس ایشان در



تأثیر ایشان در تحول حوزه علمیه مشهد

بازسازی حوزه علمیه

هنگامی که مرحوم آیت الله العظمی سید محمد هادی حسینی میلانی وارد مشهد شدند حوزه‌های علمیه آن‌گونه که باید رونق نداشت. از سال ۱۳۱۴ شمسی به دنبال مبارزات روحانیون مشهد با حکومت رضاخان، این حوزه نیز مانند دیگر حوزه‌های علمیه سراسر کشور مورد تهاجم قرار گرفته بود و پس از حادثه خونین قیام گوه‌رشاد، روحانیون بزرگی همچون آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی تبعید و میرزا محمد آقا زاده پس از زندانی شدن به اسارت رفته بود. و بسیاری از علمای معروف دیگر این شهر دستگیر و یا تبعید شده بودند.

بر اثر این حوادث و نیز بر اثر سخت‌گیری عمومی دولت دربارہ لباس روحانیون، شور و شوق علمی حوزه علمیه مشهد به رکود و سردی گراییده بود، و مدارس بزرگ و معروف مشهد در تصرف ادارات و اوقاف حکومت وقت بود و در این مدت رکود تا سال ۱۳۳۲ شمسی که مرحوم آقای میلانی در این شهر تصمیم به اقامت می‌گزیند، ادامه داشت.

اصلاح وضع حوزه علمیه مشهد و شکوفایی بخشیدن به دروس مدارس دینی و علمی در این شهر چیزی است که با اقامت ایشان انجام گرفت. نخستین اقدامی که مرحوم آقای میلانی انجام دادند، بازسازی حوزه علمیه و سامان بخشیدن به دروس بود، زیرا حوزه نقطه آغازین برای دیگر فعالیت‌های دینی و برنامه‌های حیاتی بود که بعدها اثرات آن در مراکز دینی و فرهنگی دیگر نیز نمایان گردید. بنابراین ایشان پایه‌گذار حرکت علمی در مشهد مقدس شدند که تا پیش از آن نظیری نداشت.

ایشان چون دریافته بودند که منشأ پراکندگی علمای این شهر در طول سال‌های گذشته در فقدان اساتید پر مایه در این سامان نهفته است، بدان جهت نیز ابتدا اساتید پرکار و شایسته را جذب این حوزه نمودند و خود نیز بر کرسی تدریس نشستند. درس خارج اصول و فقه ایشان که در مسجد گوه‌رشاد دایر می‌شد، در شکوفایی دروس حوزه نقش به‌سزایی داشت و به مرور زمان علما را در این شهر تمرکز می‌بخشید.

آیت‌الله العظمی وحید خراسانی

همان سالی که من به دعوت ایشان از حوزه علمیه نجف برای استقرار در مشهد آمدم و ایشان منزلی برای ما اجاره کردند، روزی ایشان را در دالان خانه دیدم که از پله‌ها بالا



بعداً مرحوم آقای میلانی همین پیشنهاد را به دکتر اقبال - رئیس وقت دانشگاه تهران - نمود. به این ترتیب که با عنایت به مراتب فهم و استعداد دانشجویان، برنامه ریزی تحصیلی با مراحل مختلف تدوین شود و انتخاب دروس نیز به صورت واحد درسی ارائه شود که اقبال نیز ضمن تأیید این شیوه آن را در جلسه مسئولان دانشگاهی مطرح کرد و این شیوه به تصویب رسید.

آیت الله دکتر سید فاضل میلانی

وقتی مرحوم آقای میلانی به قم می‌رسند طبیعتاً بین ایشان و آیت الله العظمی بروجردی دید و بازدید می‌شود که یک خاطره‌ای را خود مرحوم جد می‌فرمودند که بد نیست برای شما حکایت کنم. ایشان می‌فرمودند که در اوایل جوانی به مرحوم آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی مرجع وقت پیشنهادی کردم، گفتم آقا حوزه بی‌نظم است و هیچ ضابطه‌ای ندارد و وسیله‌ای برای تشخیص طلبه مشتغل و محصل و جدی یا اینکه کسی که بی‌خود وقت خود را زایل می‌کنند نیست. لذا من پیشنهادی دارم، اینکه ما حوزه را به چهار قسمت تقسیم کنیم: یک گروه آن‌هایی که وزنه‌های علمی هستند و استعداد دارند، دین و ایمان و فضیلت آن‌ها هم خوب است و همتی جز دقت در اجتهاد و تحصیل ندارند، این‌ها استوانه‌های حوزه باشند و معتقدند که حتی سهم مبارک امام برای اینکه خادمی که کارهایشان را راه بیاندازد در نظر گرفته شود تا از اتلاف وقت این افراد پرهیز شود و کسی باشد که کارهایشان را انجام بدهد، حتی در خرجی آن‌ها هم کمک بکنیم که ایشان در مرحله اجتهاد و جدیت واقعا فارغ البال باشند. نوع دوم افرادی هستند که آن استعداد علمی و تحقیقی را ندارند ولی قدرت مطالعه و بیان خوبی دارند و می‌توانند مبلغ شوند، اینها را برای تبلیغ به نواحی مختلف در ایام محرم و صفر و ماه مبارک رمضان بفرستیم و از درآمد آن چه که رسم است به عنوان هدیه به مبلغ می‌دهند امرار معاش نمایند. نوع سوم کسانی که استعداد علمی هم ندارند ۱۵ سال در حوزه می‌مانند و هنوز در مقدمات درجا می‌زنند و در واقع هیچ پیشرفت علمی از آن‌ها انتظار نمی‌رود ولی متدین هستند، این دسته از نماز و روزه استیجاری، کفارات و رد مظالم امرار معاش کنند. نوع چهارم التزام دینی و اخلاقی هم ندارند از آن‌ها عذر بخواهیم که بروند دنبال کار و کاسبی‌شان. ایشان می‌گفتند وقتی این پیشنهاد را برای نظم دادن به حوزه در نجف اشرف به آقای اصفهانی دادم، ایشان فرمودند آقا سید محمد هادی تو مثل باغبان باش. آب را در باغ می‌رانیم از آن گل می‌روید خار هم در کنارش هست. ایشان می‌گفتند من ساکت شدم. وقتی آمدند به قم و دید و بازدید با مرحوم آیت الله العظمی بروجردی صورت گرفت، فرمودند: چند سال قبل من چنین پیشنهادی را به آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی کردم و ایشان این طور

می‌آیند، هرگز آن خاطره را فراموش نمی‌کنم، وقتی به اتاق تشریف آوردند و نشستند، فرمودند: من جلال این بارگاه [حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)] را در این قبه طلا نمی‌بینم، بلکه در حوزه علمیه‌ای مشاهده می‌کنم که با چنین مقامی مناسب باشد. بعد فرمودند: من در این مدت که در مشهد بودم، سختی‌های بسیاری را تحمل کردم، تا به مقصود برسم که سربلندی روحانیت و حوزه علمیه خراسان است. معظم‌له به من فرمودند که: من این همه را تنها تحمل کردم. حالا، به این شهر بیا و در کنار ما باش، تا این رشته باقی بماند. بنده، بدون اینکه بگو و مگویی کنم و حتی بدون مشورت با دیگران گفتم: قبول. اصلاً بدون اراده، در محضر آیت الله میلانی گفتم: چشم آقا! بعد رفتیم و با حضرت آیت الله آقا سید ابو القاسم خویی ملاقات کردم. فکر و ذکرم این بود که درس و بحث را به هم بزنم و بار سفر ببرندم و به خراسان بازگردم.

آیت الله خویی به من فرمودند: چرا تعلق می‌کنی؟ درخواست آقای میلانی را اجابت کن و نزد ایشان برو. در همان روزها بود که آیت الله العظمی آقا سید محسن حکیم از دار فنا به دار بقا رفتند. بنده، تلگراف تسلیتی از عراق برای آیت الله العظمی میلانی فرستادم و معظم‌له جواب آن را فرستاد که هنوز آن را به رسم یادگاری نگه داشتم. در آخر تلگراف ایشان، این عبارت آمده است: "منتظر قدم دوم".

مهم‌ترین تکاپوی مرحوم آقای میلانی، پایه‌گذاری حوزه‌های علمیه به سبک نوین در ایران و مهم‌ترین دغدغه ایشان لزوم اصلاح شیوه‌های تحصیل در حوزه بود. ایشان اعتقاد داشتند که حوزه‌های علمیه باید طبقه‌بندی شود و افراد به اندازه استعدادشان از حوزه و دانشگاه استفاده نمایند. پرداخت شهریه به طلابی که اشتغال به تحصیل داشتند بر اساس مدارج علمی و سطوح درسی، اعطای جوایز به طلاب ممتاز را نیز میتوان از جمله فعالیت‌های ایشان جهت پویایی حوزه علمیه مشهد نام برد.

مدارس، سطح‌بندی و برنامه‌های ایشان در مشهد

مرحوم آقای میلانی در جریان یکی از سفرهای خود به ایران در سال ۱۳۶۳ق به دعوت آیت الله سیدصدرالدین صدر به منزل ایشان در قم وارد شدند. ایشان منزل دامادشان، آیت الله سید محمد باقر طباطبایی معروف به «سلطانی» را در اختیار مرحوم آقای میلانی قرار داد. در آن زمان آقایان مراجع و متولی حوزه علمیه قم چهار نفر، حضرات آیات: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمد تقی خوانساری و محمد فیض قمی رحمتهما بودند.

در شبی که آیت الله حجت به افتخار آقای میلانی از آقایان دعوت به شام نمود، ایشان در جمع بزرگان حوزه علمیه قم، ایده‌های خود را درباره لزوم اصلاحات و تدوین برنامه‌های درسی به سبک واحدی در حوزه مطرح نمود که مورد تصدیق و تأیید نامبردگان قرار گرفت.





اصول و تخصص در علوم اسلامی مورد نیاز مبلغین اسلامی به تحصیل بپردازد. در مدارس تخصصی علاوه بر دروس تخصصی، زبان خارجی [انگلیسی] و برخی معلومات متفرقه آموزش داده می‌شد. مرحوم آقای میلانی برای هر تخصص یک مدرسه قرار دادند.

آیت الله شمس

تصمیم گرفتیم بروم نجف، مقدمات سفر را هم فراهم کردم، بعد با خود گفتم پس از ازدواج در مشهد به نجف بروم. قبل از عزیمت به نجف متوجه شدم که آقا مشرف شدند مشهد. سه ماه قبل از این که من بروم آنجا آقا مشهد بودند. به مشهد رفتم و شب من سابقه آقا را داشتم، مقام علمی ایشان را شنیده بودم، لذا آنجا ما جذب ایشان شدیم. جلسه‌ای بود، آقایان نجفی‌ها بودند، به من گفتند حاج آقا شما نجف رفتید؟ گفتم اگر موضوعیت دارد که نه، و لکن نجف آمده بود مشهد. ما در خدمت ایشان بودیم و خیلی خصوصی خدمت ایشان بودیم و واقعاً عرض می‌کنم که به اعتقاد خودم مشهد عالمی به این جامعیت و فقه و اصول من یادم نمی‌آید به خودش دیده باشد.



جواب دادند؛ عین این پیشنهاد را به شما می‌کنم. ایشان فرمودند بسیار پیشنهاد خوبی است. برای انجام این کار مرجع یا باید یکی باشد یا همه یک صدا و متحد باشند. گفتم شما الان مرجع منحصر به فرد هستید. ایشان ساکت شدند. آقای بروجردی اصرار کرده بودند که مرحوم آقای میلانی برای محقق کردن همین پیشنهاد در قم بمانند.

مرحوم آقای میلانی بعد از استقرار در مشهد و عهده دار شدن ریاست علمی حوزه در صدد برآمدند دستورالعمل اجرایی این نظریات را عملیاتی نمایند. برای این منظور، پنج مرحله در چهار مدرسه به شرح ذیل برای محصلین علوم دینی تدوین نمودند:

۱- مدرسه مقدمات و متون ابتدائی:

آیت الله میلانی برنامه‌های این مدرسه را در دو مرحله قرار دادند: مرحله اول: مرحله مقدماتی؛ طلبه باید خط، انشاء، املاء و کمی ریاضیات بیاموزد و علوم صرف، نحو و منطق را فرا گیرد. قرآن و برخی دعاهای روایی و متون احادیث اخلاقی را حفظ نماید. این مرحله سه سال به طول می‌انجامید.

مرحله دوم: مرحله متون ابتدائی؛ در این مرحله طلبه علوم بلاغت، تاریخ و علم عقائد را تا حد شرح باب حادی عشر و فقه را تا آخر اللمعة الدمشقیة و معالم را در زمینه اصول می‌آموخت. این مرحله طی سه سال برنامه‌ریزی شده بود. وقتی طلبه این دو مرحله را به پایان می‌رساند به مدرسه متون عالی منتقل می‌شد.

حضرت آیت الله معصومی

فلذا موقعیت در مشهد بسیار خوب بود از نظر ورود حضرت آیت الله العظمی استاد. ولیکن جوّ سیاسی دولت جوّ خوبی نبود، آن موقعیتی بود که نهضت آزادی و دکتر مصدق و حضرت آیت الله کاشانی درگیر بودند، جوّ، جوّ خوبی نبود اما به برکت وجود سیدنا الاستاذ، حوزه سرآمد شد و همه در این جریان خوشحال بودند و خداوند تبارک و تعالی این نعمت بزرگ روحانی را به دست حوزه خراسان و فضلا داد.

۲- مدرسه متون عالیہ:

در این مدرسه طلبه به دست اساتیدی عالم، متون عالیہ در فقه و اصول یعنی رسائل، مکاسب و کفایه را فرا می‌گرفت و در کنار آن علوم تفسیر، کلام - شرح تجرید - و تاریخ ادیان را می‌آموخت. این دوره پنج ساله بود. پس از این دوره طلبه مخیر می‌شد میان تخصص در فقه و





حجت الاسلام والمسلمین امینی سبزواری

مرحوم آقا خیلی جامع بودند یعنی دایره فکریشون محدود به یک سلسله مسائل تنها حوزوی نبود. دایره فکری ایشان آن قدر گسترش داشت که پرتوش کشورهای اروپایی، امریکایی، کشورهای اسلامی آفریقایی همه را در برداشت. لذا برنامه ریزی‌هایی داشتند که می‌بایستی به همه این‌ها خوراک علمی از رهگذر حوزه علمیه مشهد داده بشود.

این مدارس با برنامه‌ها و قوانین خاص خود تاثیر به‌سزایی در پیشرفت حوزه علمیه مشهد داشت. زیرا گروهی از علما، خطباء، نویسندگان و اندیشمندان را به جامعه اسلامی تقدیم نمود. احداث این مدارس از آن جهت حائز اهمیت است که در آن هنگام هیچ کدام از مدارس مشهد از چنان برنامه منظم و دقیقی برخوردار نبودند و مرحوم آقای میلانی در دوران مرجعیت خود، در حوزه علمیه مشهد، سد بزرگی را شکستند که تصور آن هم مشکل بود. ایشان مدرسه و برنامه و امتحان را حاکم کردند که در حوزه‌های علمیه شیعه سابقه نداشت. عظمت کار مرحوم آقای میلانی زمانی مشخص می‌گردد که بدانیم حضرت آیت الله بروجردی پیش از اینکه در قم مستقر شوند در حوزه علمیه نجف قصد داشتند که امتحان گرفتن از طلبه‌ها را رایج کنند. ناگهان شخصی در مقابل معظم‌له ایستاد و امتحانات تحریم شد؛ ایشان ناچار شد که از طرح تحول در حوزه علمیه نجف عقب نشینی کنند.

آیت الله العظمی سبحانی

اساساً در آن زمان، در حوزه‌ها، امتحان جرم محسوب می‌شد، در حالی که امتحان اساس کار موفقیت در آموزش است. باید برنامه درسی و کلاسی و امتحان در میان باشد تا معلوم شود که چه کسی درس خوان است و چه کسی بی‌کار است. بی دلیل نبود که آیت الله بروجردی در دوران زعامت و مرجعیت مطلق خود، تمایلی به اصلاح ساختار حوزه علمیه نشان نمی‌داد. ایشان، تفکر غلطی را در حوزه‌های علمیه حاکم می‌دید که مقابله با آن، هزینه بسیار داشت. خوشبختانه، در حوزه علمیه مشهد، به همت مرحوم آقای میلانی، این سد که سد تحول و اصلاح است، شکسته شد.

آیت الله دکتر سید فاضل حسینی میلانی

با قاطعیت می‌توان گفت که یک دقیقه از عمرشان را هدر ندادند.

۳- مدرسه مبارکه امام صادق (ع):

این مدرسه ای است که طلبه پس از فراغت از تحصیل متون عالی به صورت سخنرانی تدریس و طلبه ملزم بود در پایان هر سال تحصیلی درباره موضوعاتی که در آن حضور یافته، پایان نامه‌ای به هیئت علمی ارائه دهد.

حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی

خیلی خوشحالم که شنیدم یکی از مدارس مرحوم آقا هنوز فعال است.

۴- مدرسه عالی حسینی:

مدرسه تخصصی در علوم اسلامی دیگر مانند تفسیر، حدیث، کلام، فلسفه و شناخت ادیان و تاریخ به شمار می‌آمد. طلبه در این مدرسه سخنرانی و مناظره را تمرین می‌کرد و زبان خارجی می‌آموخت تا مبلغی زیر دست و سخنرانی بلیغ شود. دوره این مدرسه چهار ساله بود. علاوه بر این برنامه‌ها، این مدرسه با داشتن قوانین محکم و امتحانات ماهانه، فصلی و نهائی زیر نظر اساتید و هیئت علمی بلند پایه، متمایز از دیگر مدارس بوده است.



جایگاه مرجعیت و اعلمیت

بود. منظور، دقت نظر است؛ دقت نظر فوق العاده ای که در درس اصول های دیگر به چشم نمی خورد. چند شبی که پای درس آقا بودم، شاهد بودم که شاگردان بسیاری معظم له را چون نگین انگشتی در میان گرفتند.

بعد از فوت آیت الله العظمی بروجردی، علامه طباطبائی اعلمیت را منحصر در شخصیت مرحوم آقای میلانی می دانستند.

آیت الله العظمی گرامی

گرچه ایشان در نجف و کربلا مشارالیه بالبنان بودند و موقعیت علمی ایشان بر همه مبرهن و واضح بود، در مشهد هم که مشرف شدند طوری بود که قم متوجه به مشهد شد. توجه قم به مشهد، اذعان به وجود مجتهدی اعلم و در رده اعلم بود. فراموش نمی کنم وقتی که آقای بروجردی فوت کرده بودند خدمت استادمان مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله رسیدم، صحبت از اعلمیت بعد از آقای بروجردی شد. ایشان صحبت علی الاجمال از افرادی کردند و بعد روی دو نفر ایستادند. یکی مرحوم آقای سید عبد الهادی شیرازی و یکی مرحوم آقای میلانی. بعد با انگشتان دستشان همچنان که انگار دارند چیزی را وزن می کنند، حساب اعلمیت و تقوی کردند و در نهایت فرمودند: متعین و اقدم آقای میلانی است.

حجت الاسلام دکتر افتخارزاده

نظر علامه طباطبائی درباره اعلم بودن حضرت آیت الله میلانی، نظر مشهوری است و ایشان تا آخر عمر مبارکشان بر نظرشان باقی ماندند و آقای میلانی را تنها نگذاشتند. بر اساس همان نظر حضرت علامه طباطبائی بود که فضلی قم تمایل داشتند که آیت الله میلانی از مشهد به قم هجرت کنند. این تمایل که حتی به دعوت از آیت الله العظمی میلانی انجامید، پس از رحلت آقا حسین بروجردی مطرح شد. بدون تردید، اگر معظم له به قم تشریف می بردند، به همه مراجع بزرگ حوزه علمیه قم برتری می یافتند و به مرجعیت مطلق دست می یافتند؛ اما نخواستند از جوار امام رضا علیه السلام بیرون بروند.

بسیاری از بزرگان در بهره گیری از محضر اساتید، فقط یک مسیر را انتخاب کرده بودند ولی امتیاز آیت الله العظمی سید محمد هادی حسینی میلانی این بود که از هر دو منبع فیض می بردند. معظم له، از شاگردان مبرز آیات عظام شیخ محمد حسین اصفهانی و میرزای نایینی رحمتهما در حوزه علمیه نجف بودند و سالیان متمادی در نزد آنان، دانش فقه و اصول آموختند.

ایشان ۲۳ سال، درس مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی و همچنین ۱۴ سال درس میرزای نایینی را درک نمودند. به تصدیق خود مرحوم اصفهانی، مرحوم آقای میلانی، بهترین شاگرد ایشان بوده است.

آیت الله شمس

معظم له در درس خارج شان، بیش از اساتید دیگر حوزه علمیه نجف، قول دو استادشان را نقل می کردند، یکی حاج شیخ محمد حسین اصفهانی که از ایشان به «حاج شیخ استاد» تعبیر می کردند، یکی هم میرزای نایینی که ایشان را «میرزای استاد» می خواندند.

آیت الله العظمی میلانی

(در شأن استادشان مرحوم میرزای نایینی) می فرماید: گوش دهید کاملاً شرح بدهم چون تصور می کنم که هر کس درس استاد را ندیده باشد نمی فهمد که چه گفته اند. من شرح می دهم بعد خودم وارد می شوم و جهاتی را برهان اقامه می کنم، من حالا فعلاً آنچه که ایشان فرموده اند را بیان می کنم که ما هو حقّه بحول الله تعالی، بعد اقامه برهان می کنم. چه بکنم، جای خودش گوش دهید می خواهم آنچه که ایشان گفتند یاد بگیرید بعد ببینیم چه بگوییم.

مرحوم آقای میلانی از آیت الله قاضی طباطبائی و سید عبد الغفار مازندرانی رحمتهما بهره بسیاری بردند. ایشان فقه و اصول را نزد آیات عظام غروی اصفهانی، نایینی و آقا ضیاء عراقی رحمتهما که از اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف بودند آموختند.

آیت الله العظمی سبحانی

تقریباً می توان گفت که درس اصول آیت الله میلانی، همانند درس آیت الله شیخ محمد حسین غروی اصفهانی



بنده می گویم احدی نگفته است. اگر خدا به من عمر داد به میحث بدل حیلوله رسیدم بنده مشرب خاصی دارم، نه به آن نمطی که فقها سیر فرموده اند بحول الله شرح می دهم.

از دیگر ابعاد علمی مرحوم آقای میلانی، بُعد رجالی ایشان است. ایشان به همراه علامه طباطبائی و مرحوم محدث قمی، گروهی تشکیل داده و نسخ چاپ سنگی و وسائل الشیعه را با نسخه اصلی آن به خط مؤلف که در دست آیت الله حجت کوه کمره ای بود مقایسه و تصحیح می نمایند.

نکته قابل توجه این است که در حین تصحیح نسخ، به تمام زوایای روایات اعم از دقت در صدور روایات، مقابله روایات و جنبه های صرفی، نحوی و بلاغی آن اهتمام داشتند. این کار هشت سال تمام به طول می انجامد و حاصل زحمات این سه بزرگوار در دو نسخه بیست و سی جلدی به چاپ رسیده است.

حجت الاسلام دکتر افتخارزاده

بی هیچ شکی، هیچ کدام از آقایان علما و مراجع که در مشهد بودند، از لحاظ علمی و حوزوی، در رده آیت الله میلانی به حساب نمی آمدند، نه آقای قمی و نه آقای سبزواری و نه آقای کفایی. این آقایان از بزرگان آن شهر بودند، اما می دانستند که مقام آقای میلانی، مقام ممتازی است. چند عالم و مرجع دیگر هم در مشهد بودند و یا به حوزه علمیه مشهد هجرت کردند؛ ولی نور آنان چون نور ستاره بود و توان ایستادگی در مقابل خورشید تابان وجود آیت الله میلانی نداشتند و ناگزیر محو شدند. آیت الله سید یونس اردبیلی و آیت الله سید علی مددی بیرجندی قاینی، از آن دسته بودند. من آن روزها از فاضلی نشنیدم که مثلاً آقا سید علی مددی از آقا سید هادی میلانی برتر است. برداشت من این است که همه فضلاء مشهد باور داشتند که مرجع اعلم، حضرت آیت الله العظمی میلانی است.

آیت الله العظمی موسوی اردبیلی

به نظر ما این بود که آقای میلانی اَدَقُّ از مرحوم آقای خویی است. آن وقت ها که در نجف بودیم این جور فکر میکردم.

آیت الله معصومی

آقا یک محبوبیتی بین مراجع داشت که وقتی محضر حضرت آیت الله العظمی شاهرودی و آیت الله العظمی خویی مطرح می شد همه خوشحال بودند، یعنی می گفتند که حوزه خراسان احیا شد.

روش علمی و حوزوی مرحوم آقای میلانی، این امتیاز را داشت که نخست، مطلب را به خوبی پرورش می دادند تا جایی خالی از روشنی نباشد. سپس به نقد مطلب می پرداختند. چنین روشی چه در عرصه فقه و چه در عرصه اصول خاص بود. طلبه خارج خوان که پای درس ایشان می نشست، پس از پایان بخش نخست گمان می کرد که کلام به آخر رسیده است؛ اما ناگاه متوجه می شد که کلام ناتمام است. اینک معظم له اشکال هایی که وارد بود یکی پس از دیگری طرح می کردند و جواب می دادند. بی شک، چنین روشی مجتهد پرور است نه مقلد پرور. به راستی، قصد مرحوم آقای میلانی، تربیت استعداد های ممتازی بود که قابلیت مجتهد و مرجع شدن در آنان بسیار بود.

آیت الله العظمی میلانی

رئما تصور می کنم از بسیاری، فرمایش مرحوم میرزا معلوم نشده باشد، هم تکرار کنم به بیان آخر، ان شاء الله، بالخاص که بعضی آقایان دیشب نبوده اند و حالا اگر بخواهم فقط متصدی جواب بشوم خب معنی ندارد چون اصل اشکال واضح نشده است، (احترام ایشان در اینجا به اساتید شان مخصوصاً مرحوم میرزای استاد) بنا دارم فرمایشاتشان را برهانی کنم، دلیل اقامه کنم تا هر حدی که امکان دارد برهانی کنم بعد آن وقت اگر اشکالاتی داشته باشیم را بگوئیم و الحاصل درست توجه کنید چون [میرزا] شخص بزرگی است. می خواهد در مقابل شیخ اعظم بفرماید.

حجت الاسلام والمسلمین باقری سبزواری

مرحوم آیت الله عظمی میلانی تازه آمده بود خراسان که مرحوم علامه طباطبایی فرمودند، هر کس از آقایان می خواهد مجتهد بشود برود خراسان. علم از نجف آمد خراسان.

علاوه بر فقه و اصول و استفاده مبانی اخلاقی به درس تفسیر توجه داشتند و در درس تفسیر علامه بزرگوار آقای شیخ محمد جواد بلاغی شرکت می نمودند. مرحوم آقای میلانی از شاگردان ممتاز آقای بلاغی در دوره تفسیر بودند.

آیت الله شمس

آیت الله طباطبائی به مشهد می آمدند و در نماز آقا حاضر می شدند، بعد هم آقا بعد از نماز تشریف می آوردند منزل و در صحن حیاط منزل می نشستند و مردم می آمدند سوال بکنند، آقای طباطبایی رحمته مرد ملا و باسوادی بود، عصایش را می گذاشت آنجا، در جلسه می آمد می نشست، دم بر نمی آورد، هیچ نمی گفت، اصلاً و ابداً. آخر وقت که می شد بلند می شد و عصایش را برمی داشت و می رفت. به آقا خیلی علاقه مند بود و آقا را قبول داشت. حتی سوال هم کرده بودند که بعد از فوت آقای حکیم چه کسی اعلم است، ایشان گفته بودند که تقلید از ایشان بر دیگران ترجیح دارد.



ویژگی‌های اخلاق و عرفان

حتی نسبت به شاگردان و طلبه‌ها هم تواضع و ملاحظت خاصی داشتند.

مرحوم آیت الله العظمی میلانی

تواضع مرحوم میلانی نسبت به شاگردان) بعد از بیان مطلبی می‌فرمایند «بنده چه کاره دنیا هستم، خداوند مرا واسطه قرار بدهد در تربیت شماها (ظاهراً در تکرار مطلبی بوده) متعهدم که تکرار نکنم آنچه را گفته‌ام»

ایشان نسبت به همه مردم متواضع بودند. عالی و دانی، عالم و عامی و خلاصه همه اقشار مردم و طبقات اجتماع را احترام می‌کردند و از هر یک از اشخاص به تناسب شأن او استقبال می‌نمودند. ایشان بسیار مؤدب و باوقار بودند. هیچ وقت با صدای بلند صحبت نمی‌کردند. خنده ایشان هیچ وقت به صورت قهقهه نبود. همیشه دو زانو می‌نشستند. شاگردان و نزدیکان خود را همواره به متانت و وقار توصیه می‌کردند.

حضرت آیت الله العظمی گرامی

مهم این است که همه این رجال الهی در رعایت آداب معاشرت و مجالست، اسوه حسنه‌اند، یادم می‌آید که مرحوم آیت الله میلانی، روزی درباره مسأله ربا و حیل مربوط به آن درس می‌دادند. ما طلبه‌های قمی که به سر و صدا کردن در درس خارج فقه و اصول عادت کرده بودیم، فوراً اشکال را طرح کردیم. ایشان رو به ما کرد و فرمود: نه! نشد! بعد افزودند: رسم ما بر این است که صبر می‌کنیم تا کلام گوینده به آخر برسد و بعد اشکال بیان شود. برخورد مرحوم آیت الله میلانی برای من بسیار آموزنده بود. در حقیقت ایشان در آن مجلس، ادب محضر استاد و مناظره علمی را به من و امثال من آموختند.

آیت الله اشرفی شاهرودی

اما خاطراتی که از مرحوم آیت الله میلانی دارم در درجه اول ادب فراوان و تواضع ایشان، که انصافاً من هیچوقت ندیدم ایشان چهار زانو بنشیند، پیوسته دوزانو و مؤدب می‌نشست و فوق العاده رعایت جنبه‌های احترام از اولیا را داشت که حتی این خاطره یادم نمی‌رود مرحوم آقای عندلیب یکی دو سال قبل از فوتش میگفت: (که ایشان از کربلا شاگرد

ایشان علاوه بر شرافت خانوادگی و خصوصیات اخلاقی به ارث برده از آباء کرامشان، همواره در تهذیب و تزکیه نفس کوشا و در راه رسیدن به مراتب عالی‌ه معنوی سعی فراوان داشتند. دروس سطح را نزد اساتیدی حاضر شدند که از نظر ورع نیز نمونه‌های بارز عصر خویش بودند. در این خصوص از محضر اساتیدی همچون: مرحوم آیت الله قاضی طباطبائی و آیت الله سید عبدالغفار مازندرانی رحمتهما کسب فیض نموده، تا اینکه خود یکی از مریبان اخلاقی و نمونه‌های انسان کامل گردیدند. ایشان به اساتید خود از جمله مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی رحمتهما احترام زیادی می‌گذاشتند و در برابرشان اظهار کوچکی می‌نمودند.

آیت الله شمس

آقا سید محمد علی برای من نقل می‌کردند: در آن ایام هر وقت آیت الله غروی اصفهانی برای زیارت به کربلای معلی مشرف می‌شدند، به منزل ما تشریف می‌آوردند. ایشان عصرها وضو می‌گرفتند و برای اقامه نماز به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام مشرف می‌شدند و روی پشت بام حرم نماز می‌خواندند. هر روز مرحوم آقای میلانی همراه استادشان می‌رفتند، در حالی که همیشه یک قدم پشت سر مرحوم آیت الله العظمی غروی اصفهانی بودند. هرگز ندیدم که ایشان دوشادوش استادشان قدم بردارند. در نماز مغرب و عشاء به استاد خود اقتدا می‌کردند. تا حالا ندیده بودم که شاگردی، این اندازه برای استاد خودش احترام و ادب قائل باشد.

آیت الله دکتر سید فاضل میلانی

یاد کردنشان از اساتیدشان، همراه با احترام بود. آنگاه که قصد اظهار نظر علمی داشتند، می‌فرمودند: «ناچاریم که بگوییم»، «به نظر می‌رسد»، «نمی‌توان به فرمایش ایشان مساعدت کرد». تواضع فوق العاده‌ای در وقت تدریس داشتند که شاید بی نظیر بود.

آیت الله العظمی میلانی

و اما فرمایش میرزای استاد، ایشان می‌فرمایند «مرتبهٔ من الملک»، البته بزرگ اند، ما کوچک هستیم نسبت به این بزرگوار، لکن چه باید کرد، نمی‌توان با فرمایش ایشان مساعدت کرد.



مرحوم میلانی بوده و به مشهد هم که آمد شاگرد ملازم آیت الله میلانی بود) به هیچ وجه یک بار هم نشد که ایشان از من چیزی بخواهد حتی اگر به کتابی نیاز بود، خودشان بر می داشتند، می گفتم آقا این کتاب بالا سر من بود، من باید این کتاب را خدمت شما بدهم.

ایشان با این که بعضی از علمای حوزه ها و بلاد، قائل به علمیتشان بودند، هیچگاه فکر به دست آوردن ریاست و زعامت به ذهنشان خطور نکرد، بلکه از تصدی آن اکراه داشتند.

حجت الاسلام والمسلمین فضل

مرحوم آقای میلانی می فرمودند راضی نیستم که بالای منبر از من نام ببرید. کاری به تقلید مردم در شهرها و روستاهای کشور نداشته باشید. بگذارید تا هر کس از هر مرجع تقلیدی که می خواهد تقلید کند. تا آن جا که امکان دارد، روی منبر، مسائلی را مطرح کنید که درباره آن اتفاق نظر وجود دارد.

ایشان در خدمات فردی و اجتماعی، از خودنمایی پرهیز داشتند. مثلا وقتی از بازماندگان بیوتات علمی تفقد می نمودند، طوری عمل می کردند که احدی با خبر نمی شد.

آیت الله العظمی میلانی

(در رابطه با کمک به دیگران) این وظیفه من است و بایستی به نحوی باشد که کم ترین خدشه ای بر حیثیت این عزیزان وارد نشود.

حجت الاسلام والمسلمین بقری سبزواری

آقا، به تعبیر بنده، استوانه بودند، کوهی از علم بودند و دیگر عین آقا پیدا نمی شود. مادر روزگار از زائیدن چنین فرزندان عقیم است هر چند که بعید نیست مشابه چنین بزرگانی ظهور کنند. شاید در ایمان، اخلاص، تقوا و سیره مرضیه که حضرت آیت الله العظمی میلانی داشتند، مشابهی در حوزه های علمیه ظاهر شوند.

وقتی می خواستند مبلغین حوزه را به اطراف و اکناف اعزام کنند، از جمله توصیه های ایشان این بود که راضی نیستم نام مرا ببرید و اگر از شما بپرسند که از جانب چه کسی آمده اید؟ بگویید: از جانب حضرت ولی عصر ارواحنا فداه.

وقتی در جریان زلزله کاخک و گناباد، عده کثیری از طلاب حوزه علمیه مشهد مقدس را جهت یاری رساندن به آسیب دیدگان و انجام وظایف شرعی در گذشتگان به منطقه اعزام داشتند، به آن ها گفتند: مبادا اسمی از من بیاورید. شما فرستادگان حضرت بقیة الله هستید و به همین جهت بر تابلو محل استقرار هیئت اعزامی فقط نام حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نوشته شده بود.

حجت الاسلام والمسلمین فضل

یکی از برنامه های مستمر و تاثیرگذار مرحوم آیت الله میلانی،

مواظبت ایشان در هنگام اعزام مبلغان دین به مکان های دور و نزدیک بود. نزدیک ماه محرم یا ماه مبارک رمضان، همراه مبلغان خدمت معظم له می رسیدیم و از ایشان تقاضا می کردیم که ما را اندرز بدهند. آنچه در میان نصایح مرحوم آیت الله میلانی، منزلت والایی داشت و بارها به مبلغان یادآوری می شد، این بود که با رفتار شایسته خود، دیگران را به سوی خداوند دعوت کنید و هرگز به گفتار اکتفا نکنید. معظم له این حدیث معصوم را به یاد می آوردند: «کونوا دعاة الناس بغير السننکم».

نمونه دیگر، این که در ارتباط با اداره امور مدرسه حقانی قم، با این که بودجه آن جا را تامین می کردند، لکن هیچ نوع دخالتی در اداره آن نمی فرمودند.

ایشان بر کرسی درس بسیار حلیم و بردبار بوده و با توجه کامل به اشکالات شاگردان گوش می دادند و اگر اشکال بی مورد بود عصبانی نمی شدند و در صورتی که اشکال، منطقی به نظر می رسید مستشکل را تشویق می کرد.

حجت الاسلام والمسلمین احمدی مازندرانی

آقا مثل پدر رفتار می کردند. هرگاه شاگردی با تندخویی به ایشان جسارت می کرد، هیچ گونه تغییری در چهره مرحوم آیت الله میلانی نمی دیدیم. اصلا دچار خشم نمی شدند و اهانت را با اهانت پاسخ نمی دادند. حلم این شخصیت بزرگ، فوق العاده بود.

آیت الله العظمی میلانی تداوم عجیبی نسبت به نماز شب داشتند.

مرحوم آیت الله العظمی میلانی

مرحوم آقای نائینی می فرمودند: نماز شب خواندن، شرط اجتهاد نیست، و لکن بی دخالت هم نیست.



دیگر از خصوصیات ایشان پرهیز از اسراف بود؛ مثلا نامه‌هایی را که دریافت می‌کردند، اگر برگه دوم آن سفید بود، جدا کرده و در مکاتبات خود از آن‌ها استفاده می‌کردند.

امتیاز دیگر ایشان این بود که در موقع فوت، جز مقداری کتاب و تعدادی فرش چیز دیگری نداشتند؛ زیرا منزل مسکونیشان در توسعه میدان آستانه، تخریب شد و هر چه خواستند پول این منزل را بپردازند و یا منزلی برایشان تهیه کنند، نپذیرفتند و می‌فرمودند من آخر عمرم هست و احتیاجی به منزل احساس نمی‌کنم.

آیت الله رضازاده

ایشان در مشهد، دنبال منزل مناسبی بودند که اندرونی و بیرونی داشته باشد. آن‌چه من راجع به آن خانه نقل می‌کنم، از زبان کسی است که از طرف آقا مامور خرید خانه در مشهد بود. ایشان می‌گویند: آیت الله میلانی به من فرمودند: خانه‌ای با همین مقدار پول که من دارم بخرید. اگر قیمت خانه بیشتر از پول موجود من بود، هر وقت که خدا به من داد، می‌پردازم. بعد ما محله به محله در پی خانه مطلوب آقا گشتیم. هر خانه‌ای که ما پیدا می‌کردیم، آقا نمی‌پسندیدند. روزی خانه خوب و مناسب و بزرگی پیدا کردیم و با خود گفتیم که آقا قطعاً آن را می‌پسندند. وقتی ایشان را جلوی آن خانه بردیم، سخت شگفت زده شدیم. چون آقا یک پایش را داخل خانه گذاشت و بی‌درنگ به عقب برگشت. بعد فرمودند که این منزل به درد من نمی‌خورد. دنبال منزل دیگری بگردید. در این منزل که شما می‌خواهید برای من بخرید، معصیت زیاد شده است. ما از سر کنجکاوی رفتیم و تحقیق کردیم. معلوم شد که آن خانه، قبال بانک ایران و انگلستان بوده است.

تهذیب نفس و پالایش روان از آلودگی‌های دنیوی و اوصاف شیطانی اساس کار در زندگی مرحوم آیت‌الله میلانی بود. وی با الهام‌گیری از توصیه‌های معصومین علیهم‌السلام بر این باور بودند که درک حقایق عالم برای انسان بدون تابش نور الهی بر دل و جان ممکن نیست. آن‌چه را انسان‌های غیرمهدّب علم می‌پندارند، جز اطلاعات انباشته شده در صفحات مغز چیزی نیست.

یکی از فرزندان مرحوم آیت‌الله میلانی از مرحوم آیت‌الله اراکی نقل می‌کند:

جمعه شبی در حرم مطهر حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام بیتوته کرده بودم. بعد از نماز صبح به حضرت التماس کردم که یکی از اولیای خودت را به من معرفی کن! آمدم منزل و خوابیدم. یکی در خواب به من گفت: پاشو که یکی از اولیای الهی می‌آید. بیدار که شدم دیدم خانم سماور را روشن کرده است. گفتیم: حالا که زود است و وقت چای نیست. گفت: در خواب به من گفته شد پاشو سماور را روشن کن که یکی از اولیای الهی می‌آید. در این حال بود که در زدند، وقتی در را گشودم دیدم مرحوم آقای میلانی است.

پروفسور بولون

من پس از عمل جراحی آیت الله، پیش از آن‌که ایشان از حالت بیهوشی بیرون بیایند مراقب بودم که وقتی به هوش می‌آید چه می‌گوید (چرا که این مرحله از نظر پزشکان مرحله حساسی است. شاید بیمار بعضی از اسرار زندگیش را هم بگوید). ایشان آرام حرکتی کرد و در حالی که در آن لحظه نیز خدا خدا می‌گفت و با پروردگارش راز و نیاز می‌کرد، [فرازهایی از دعای ابوحمزه ثمالی می‌خواندند] من تحت تاثیر این صحنه شگفت، به حقانیت آئین اسلام پی بردم و بدان گرویدم.

آنچنان که بزرگان بدان اذعان دارند مرحوم آیت الله میلانی دارای ملکات نفسانی والایی بودند.

آیت الله شمس

علامه می‌فرمود اگر عرفان می‌خواهید پیش آقا بخوانید

آیت الله سید جعفر سیدان

بنده و [مرحوم] آقای طبسی و مرحوم سید محمود مجتهدی به درس مرحوم آقای میلانی می‌رفتیم. ایشان که به تهران رفتند، گفتیم برویم خدمتشان. به مدرسه مروی رفتیم و در آنجا حجره گرفتیم. هنوز آقا را ندیده بودیم. آنجا صحبت شد که چقدر پول داریم. دیدیم که برای رفتن به قم و بازگشت به مشهد مقداری پول کم داریم. سید محمود گفت من چهارصد تومان لازم دارم. [مرحوم] آقای طبسی گفت برای من هم صد تومان کافی است. من هم گفتم صد تومان کفایت می‌کند. بعد گفتم خیلی خوب، من در تهران دوستی دارم، پولی به عنوان قرض می‌گیریم بعد که رفتیم مشهد برایش می‌فرستیم. بعد گفتیم حالا که آقا را ندیده‌ایم اول برویم خدمت ایشان، بدانند که ما آمده‌ایم، سپس کار خودمان را انجام دهیم. بنابراین رفتیم خدمت مرحوم آیت الله میلانی، پس از احوال‌پرسی و اتمام دیدارمان در هنگام خروج پاکتی عنایت فرمودند. آمدیم مدرسه پاکت را باز کردیم، دیدیم پاکت بنده و [مرحوم] آقای طبسی هر کدام ۱۰۰ تومان داشت و پاکت سید محمود ۴۰۰ تومان.

دوری از هرگونه شهرت طلبی و ریاست زدگی در ایشان نمایان بود.

حجت الاسلام دکتر افتخارزاده

من از علامه عسگری عبارتی درباره عظمت شخصیت حضرت آیت الله العظمی حاج سید هادی میلانی شنیدم که شاید کسی جز من آن را نشنیده باشد. این عالم جلیل‌القدر می‌فرمود: آقای میلانی در طول عمرش، یک قدم برای مرجعیت خودش برداشت؛ بلکه قدم‌هایی برداشت تا مرجع تقلید نشود. آیا زیباتر و استوارتر از این سخن می‌توان در شناساندن شخصیت آن بزرگ‌مرد تاریخ معاصر بر زبان آورد؟

بدین منظور عده کثیری از طلاب، طبق ضوابط معین انتخاب شده و به امراشان در ایامی که دروس حوزه تعطیل بود (به خصوص پنجشنبه و جمعه‌ها) به مناطق اطراف مشهد اعزام می‌کردند. از این طریق تعداد زیادی حمام و مسجد در روستاها ساخته شد و به خاطر اهمیت این کار و حساسیت آن، گاهی مرحوم آقای میلانی تذکراتی به این مبلغان می‌فرمودند و مرحوم آقای میلانی بر چند نکته تاکید داشتند:

۱. اسم نیاوردن از ایشان
۲. حسن اخلاق با مردم
۳. انس گرفتن بیشتر با فقرا و ضعفا
۴. دخالت نکردن در امر تقلید مردم و این‌که فتوای مقلدین خود آن‌ها گفته شود

۵. متوجه کردن مردم به اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی
۶. خواندن دعای کمیل در شب جمعه و دعای ندبه در صبح جمعه

۷. قبول نکردن هدیه از مردم
از تذکراتی که مرحوم آقای میلانی به طلبه‌های مبلغ این بود که «منبر شما نباید ملال‌آور باشد. به گونه‌ای منبر بروید که پا منبری‌های شما دچار خستگی نشوند و رغبتشان را به گفتارهای شما از کف ندهند. منبر یکنواخت، مستمع را زود خسته و ملول می‌کند؛ اما تنوع در مطالب، باعث رفع ملالت خاطر شنوندگان می‌شود. بر منبر آیه، روایت و داستان نقل کنید و هر کدام را در جای خود قرار دهید. از به هم ریختگی در گفتار بپرهیزید زیرا سبب کسالت مستمع خواهد شد.»

حجت الاسلام والمسلمین فضل

برنامه ماه محرم و یا ماه مبارک رمضان این طور بود که عده‌ایی از فضلا که منبری هم بودند انتخاب می‌شدند، بعد نامه‌هایی به روحانیون محترم شهرها نوشته و چند نفر معرفی می‌شدند، که این‌ها خدمت شما فرستاده شدند، این‌ها را به هر دهی که صلاح می‌دانید و احتیاج به روحانی دارد در ماه مبارک رمضان، اعزام بفرمایید. و آن روحانی محترم آقایان را اعزام می‌کرد و در جریان بود که هزینه‌ای به آنها نباید پرداخت بشود، بلکه تمام هزینه به عهده مشهد است یعنی حضرت آیت الله العظمی میلانی پرداخت می‌فرمایند.

از دیگر مصادیق اهتمام مرحوم آقای میلانی در امر تبلیغ می‌توان به تکمیل بنا و راه‌اندازی مسجد هامبورگ آلمان اشاره کرد. ساخت این مسجد که در زمان آیت الله بروجردی و به دستور ایشان شروع شده بود، با فوت ایشان متوقف گردید. هیئت ساختمان این مسجد طی بیانیه‌ای از توقف کار ساختمان خبر دادند و نامه‌ای به مرحوم آقای میلانی نوشته و از ایشان کمک خواستند. و ایشان نیز به ادامه‌ی بنای مسجد همت گماردند و پس از اتمام بنا با ارسال نماینده‌ای از فعال شدن و امور آن اطمینان یافتند.



آیت الله العظمی میلانی برای نشر دین و احکام اسلام از هر وسیله‌ای بهره بردند. ایشان با عمل، زبان، قلم و هر قدرت و نفوذی که خداوند به ایشان عطا فرموده بود، به سوی خدا و اسلام فرا می‌خواندند. و برای رفع نیازهای دینی و اجتماعی تلاش می‌کردند.

حجت الاسلام والمسلمین باقری سبزواری

یادم می‌آید که مرحوم آقای میلانی همیشه می‌فرمود: شما طلبه‌ها سوره‌های کوچک قرآن و همین طور قصه‌های کوچک و بزرگی که در قرآن است را حفظ کنید. باید تصمیم بگیرید که از اول قرآن تا آخر قرآن، تمام قصه‌ها را بخوانید و آن‌ها را در حافظه خودتان جای بدهید. جالب این است که ایشان به مخاطب شناسی در امر تبلیغ نظر داشت و پیوسته به ما سفارش می‌کرد اول می‌باید به مستمع نگاه کرد. باید در آغاز تبلیغ بدانیم گروهی که با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنیم، چه کسانی هستند. باید منبر مبلغ‌ها درخور فهم و درک پامنبری باشد.

ایشان می‌فرمودند: اول، باید سعی در محکم کردن اعتقادات مردم داشته باشید، وقتی شما سراغ مردمی می‌روید که در سطح شهر و روستا می‌باشند، باید بدانید که طرح مسائل علمی بالای منبر، چندان اهمیت ندارد. شاید آنها قدرت درک آن مسائل را نداشته باشند، اما طرح قصص انبیا در قرآن برای آنان بسیار آسان و سودمند خواهد بود.



ارادت و سرسپردگی به ساحت مقدس معصومین علیهم السلام

شدت علاقه به اهل بیت علیهم السلام

ارادت مرحوم آیت الله العظمی میلانی به ساحت قدس ولایت حضرات معصومین علیهم السلام غیرقابل وصف بود. این ارادت در همه احوالشان مشهود بود، تشرف به زیارت، مجالس سوگواری و اعیاد، گفتار و مکاتبات ایشان دلیلی برای این مدعا است. عبارتی همیشه بالای سر مرحوم آقای میلانی در دفترشان نقش بسته بود:

یا مولای یا صاحب الزمان

بالای سرم نام تو را نقش نمودم یعنی که سر من به فدای قدم تو واقعاً معتقد به آن بودند و نمونه‌اش در زندگی ایشان منعکس بود. مرحوم آقای میلانی همه فیوضات را به واسطه اهل بیت علیهم السلام می‌دانستند و معتقد بودند که کلید همه توفیقات و راه رسیدن به مراتب عالیه علمی و عملی منحصر به توسل به مقام ولایت است. لذا می‌بینیم در نامه‌ای که به یکی از نوه‌های خود مرقوم داشته‌اند می‌نویسند: «عمده راه استکمال فضیلت چهار چیز است: اول معارف، دوم تقوی، سوم فقه و اصول، چهارم مکارم اخلاق. اجتماع این چهار رکن بسی مهم است. و هو المستعان سبحانه و تعالی. دعا کردن و توسل به مقام ولایت نمودن و توجه مبارک حضرت ولی عصر ارواحنا فداه را در خواست نمودن، وسیله بزرگی است که به این ارکان اربعه نائل شوید ان شاء الله تعالی.»

توجه فوق العاده به ساحت مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام که در سیره اخلاقی ایشان بسیار معروف بود.

حجت الاسلام والمسلمین فضل

مرحوم آقای میلانی می‌فرمودند: هرگز از توسل به مقام امام عصر علیه السلام غافل نمانید و مردم را وادار کنید تا لحظه‌هایی در شبانه روزشان با حضرت حجت در ارتباط معنوی باشند.

آیت الله دکتر سید فاضل میلانی

مرحوم جد می‌فرمودند روزی ۵ دقیقه از وقتتان را اختصاص دهید که با آقا امام زمان علیه السلام صحبت کنید. و این ۵ دقیقه را طوری قرار دهید که خودتان را در معرض نوکری

و خدمت امام زمان علیه السلام قرار داده باشید. یقیناً مورد تایید قرار خواهید گرفت. حتما ارتباطتان را با امام زمان علیه السلام حفظ کنید یقیناً وقتی شما با خلوص، ارادت و نیت پاک خودتان را به آن حضرت نشان بدهید مورد تایید قرار می‌گیرید و این در زندگی شما، در اخلاق شما، در خانواده شما، حتی در ذریه و نسل شما مؤثر خواهد بود.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر افتخارزاده

آنچه در بیت مرحوم آیت الله میلانی، توجه مرا جلب کرد و در جای دیگر ندیدم، یاد حضرت صاحب الزمان علیه السلام بود که در تابلوهایی روی در و دیوار منزل ایشان به چشم می‌خورد. این توجه نه تنها به امام زمان علیه السلام بلکه نسبت به تمام ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام بود.

آیت الله العظمی میلانی

ابتدا روایت می‌خوانم تا شاید به برکات کلمات ائمه اطهار علیهم السلام عقل ما به چیزی برسد، بتوانیم بفهمیم

آیت الله العظمی میلانی

ابتداءً به جهت متبرک شدن مقداری روایت بخوانم تا شاید به برکات ائمه اطهار علیهم السلام عقل ما به چیزی برسد.

اهتمام ویژه مرحوم آقای میلانی در دفاع از حریم ولایت اهل البیت علیهم السلام زبانزد خاص و عام بود.

آیت الله دکتر سید فاضل میلانی

وقتی این بنده حقیر نشریاتی را مورد بررسی قرار دادم. علامه محترم آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی که از مریدان و رفقای مرحوم جد و خیلی مورد احترام ما بودند از تبری ز نامه‌ای نوشتند که «احتمال نمی‌دهید که بعضی از منسوبین جنابعالی وقتی این نشریه‌ها را منتشر می‌کنند سبب دو دستگی و تفرقه‌افکنی در بین شیعه



باشوند؟» مرحوم آقا با آن عبارت شیوای خودشان در پاسخ نوشتند: «شما تصور نمی‌کنید کسی که این کارها را کرده یا آن‌هایی که اقدام به چنین کاری کردند خواسته‌اند تشیع را که همیشه یک جور بوده، از این که تقسیم به تشیع علوی و تشیع صفوی بشود و تفرقه افکنی در این جهت بشود جلوگیری بکنند؟» که در حقیقت نشان بعد نظر و دقت مرحوم آقای میلانی در این جهت بود که ممکن است توجیهات نادرستی در این زمینه شده باشد ولی ما ناچاریم که حقیقت مطلب را بیان کنیم. چیزی که برای ما خیلی ارزش داشت این بود که در مقام ولایت سراز پا نمی‌شناختند در مقام دفاع از حریم ولایت آنچه در مقابل کسانی که سعی می‌کردند شلوغ کاری کنند یا فتنه‌ای ایجاد کنند یا موجب ضلالت یا گمراهی شوند کاملاً استقامت نمودند.

خاکساری در برابر امام هشتم حضرت رضا علیه السلام که در این باره نمونه‌های متعددی شاهد عرض است.

آیت الله دکتر سید فاضل میلانی

مرحوم آقای میلانی توجه خاصی به منزل خود داشتند، چون روی قرائنی آن خانه را عنایتی از ناحیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه می‌دانستند. وقتی در طرح توسعه حرم قرار شد منزل ایشان تخریب شود، تعدادی از علاقمندان به ایشان گفتند اجازه بدهید که ما برای شما منزلی تهیه کنیم، ایشان فرمودند: من عمرم را کرده‌ام و احتیاجی به منزل دیگری ندارم. در آن روزهای آخری که در منزل قدیم بودند گاهی بنده در اندرونی می‌رفتم استکان چایی جلویشان می‌گذاشتم و گاهی از پشت پنجره فضولی می‌کردم و نگاه می‌کردم. دیدم ایشان دارند وصیت نامه‌شان را می‌نویسند. در مقدمه وصیت نامه‌شان عبارتی دارند که نشان می‌دهد ایشان ذوب در مقام ولایت هستند. [مرحوم آقای میلانی در وصیت خود می‌فرمایند: «امیدوارم که مشمول خواجه مرا

دید، پسندید، خرید، باشم» و خود این تعبیر نشانگر این می‌باشد که در مقام ولایت چقدر ایشان استوار و ثابت قدم بودند و تمام زندگیشان در این جهت متمرکز بوده است.

آیت الله العظمی وحید خراسانی

آنچه بیش از هر خصلتی، توجه مرا به خود جلب کرده است، همانا ذوب شدن مرحوم آقای میلانی در ولایت ائمه معصومین علیهم السلام است. این بیت شعر که در وصیت نامه ایشان ذکر شده است، قابل تأمل است:

بنده‌ام، بنده، ولی بی‌خردم خواجه، با بی‌خردی می‌خردم

آیت الله العظمی میلانی

(چند دعا از مرحوم آقای میلانی) خدا کند که ما خدمتگزار دین و مذهب بوده باشیم، خدا کند که همه ما از نوکران امام عصر صلوات الله علیه بوده باشیم، خدا کند که موفق بشویم به آنچه که رضای خداوند متعال در آن باشد. عواقب ما ختم به خیر بشود ان شاء الله.

کلام در باب دلدادگی ایشان به مقام ولایت بسیار است، اما این اشعار که مرحوم آقای میلانی در لحظات آخر عمرشان در حالی که اشک از دیدگانشان جاری بود در بستر بیماری می‌خواندند، خود گویای مطلب است. که ابیاتی از آن را ذکر می‌کنیم:

هین مگو ما را بدان شه بار نیست باکریمان کارها دشوار نیست
یا علی این خانه را در می‌زنم دست کوتاهم اگر، سر می‌زنم
یا علی و یا علی و یا علی از تو شد آئینه دل منجلی



فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی

حرفی که می‌زنم دو ندارد. ما که نمی‌رویم شما هم قطعاً نرو. «گفتم بلاخره آن عواقبش! خلاصه از آن واقعه حرکت کردیم و رفتیم قم.»

پس از اطلاع از چاپ شدن خبر جعلی ملاقات مرحوم آقای میلانی با شاه توسط روزنامه کیهان، ایشان ناراحت شده و روزنامه کیهان ملزم به چاپ تکذیب‌نامه شد.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر افتخارزاده

استاندار خراسان و همچنین رئیس ساواک خدمت آیت الله العظمی میلانی آمدند و عرض کردند: حضرت آیت الله! خوب است که شما امسال با شاه ملاقات کنید. اگر شما مایل نیستید که همراه آقایان علما در حرم با شاه ملاقات کنید، ما حاضریم شاه را به منزل شما بیاوریم. بهتر است که دیدار شما و شاه صورت بگیرد. رئیس ساواک به ایشان می‌گوید: ببخشید آقا! اگر شما با شاه ملاقات نداشته باشید، می‌ترسم که برای شما گران تمام شود. مرحوم آقای میلانی، در جواب می‌فرمایند: شما چه کسی را تهدید می‌کنید؟ آیا میلانی را تهدید می‌کنید؟ میلانی، میلانی است هر جای عالم که برود. شما فکر خودتان باشید که هر کجا می‌روید، شاه باشید!

مرحوم آقای میلانی به منظور جلوگیری از اجرای حکم اعدام آیت الله العظمی خمینی به تهران رفتند و همراه مراجع قم، آیت الله العظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی مرعشی نجفی حدود چهل روز تحصن کردند. آقایان نوشتند که ایشان از مراجع است تا شاه از اعدام ایشان صرف نظر کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین رجایی خراسانی

مرحوم شیخ احمد کافی بالای کرسی رفت و با صدای بلند گفت: یا بن الحسن! بی‌کس و تنها هستیم و به داد ما برس ای فریاد رس! صدای ضجه طلبه‌ها بلند شد و آنان سخت گریستند. چیزی نگذشته بود که آقای میلانی عازم تهران شدند و تا از اعدام حاج آقا روح الله پیشگیری کنند. در قانون اساسی ایران، مجتهد و مرجع تقلید مصونیت داشت.

از جمله فعالیت‌های ایشان، می‌توان به تاثیر قابل توجه در تصویب مصوبه منع فروش شراب در شهرهای مقدس اشاره کرد. همان‌طور که مشهود است دغدغه اصلی مرحوم آقای میلانی مبارزه با مظاهر فساد و نهی از منکر بوده است.

یکی از ابعاد برجسته در زندگی مرحوم آیت الله العظمی میلانی، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌باشد. ایشان در روزگار استقرارشان در حوزه علمیه مشهد، موقعیت خاص و تثبیت شده‌ای به دست آوردند. علاوه بر اینکه وزنه علمی بودند، وزنه اجتماعی چشمگیری به حساب می‌آمدند. باید دانست که ایشان، انسانی ملی، آزاد و مبارز در خراسان بودند، که ذره‌ای به دربار اعتنا نداشتند. از همین روی بود که روشنفکران و دانشگاهیان و آزادی‌خواهان در تهران و مشهد، به سمت این مرجع تقلید زمان شناس آمدند.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر افتخارزاده

در روزهای جمعه یا ایام و مراسم دیگر که به منزل آقا می‌رفتم، عناصر متدین و مبارز بازاری و دانشگاهی و روشنفکر و روحانی را می‌دیدم. که به ایشان ارادت فراوان دارند.

مرحوم آقای میلانی به دلیل تفکر و شیوه خاص خود، از موقعیت علمی و اجتماعی مخصوصی برخوردار بودند. در آن سال‌ها، در فصل بهار، شاه به مشهد می‌آمد و آقایان علما و مراجع، به دیدار شاه می‌رفتند. اما مرحوم آقای میلانی در جمع آقایان نبود. با این همه، مسئولان حکومتی در خراسان، احترام آن مرجع بزرگ و مستقل را نگه می‌داشتند و با دیده تکریم و تعظیم به ایشان می‌نگریستند و ارادت می‌ورزیدند، در حالی که ایشان همواره استقلال در افکار و مواضع اجتماعی و سیاسی داشتند و به قطبی متمایل نمی‌شدند تا حریم و قداست مرجعیت و روحانیت شیعه در هم نشکند.

آیت الله العظمی وحید خراسانی

شخصی آمد گفت استاندار می‌خواهد بیاید دیدنت، گفتم به چه مناسبت ما اهل این مطالب نیستیم، گفت علی‌ای حال می‌خواهد بیاید و چاره‌ای نیست. بعد معلوم شد که می‌خواهد آن آقا [شاه] بیاید مشهد و این مقدمه است. ما حرکت کردیم منزل آقا [مرحوم آقای میلانی] بعد گفتم قضیه این است و من اهل ارتباط با این‌ها نیستم، از آن طرف هم، خراسان را در قبضه دارند، ما تحمل آن جهات را نداریم و من کارم درس و بحث است و از این‌ها می‌مانم. ایشان دأبش این بود که مطلبی که خیلی مهم بود مدتی دست به پیشانی می‌گرفت، مدتی این جور کرد، بعد هم فرمود: «تو در قبال، به آن‌ها بگو اگر فلانی [مرحوم آقای میلانی] آمد من هم می‌آیم.» بعد گفتم آقا این چه تعبیری است، آن‌ها جواب می‌دهند، قیاس مع الفارق است. بنابراین این حرف پیش نمی‌رود. گفتند که: «من



إرادة تشریعی و إرادة تشریح

قصداً دریم - بحول و قوه الهی - فعالیت علمی ای را به بهانه چهلمین سالگرد وفات مرحوم آیت الله العظمی میلانی آغاز نماییم که بتواند سهمی در حرکت پژوهشی علوم حوزوی در مدرسه مبارکه امام صادق علیه السلام داشته باشیم.

این نوشتار، چکیده از مقاله‌ای است وزین، از یکی از اساتید این مدرسه مبارکه و از فضایی حوزه مشهد مقدس، جناب حجت الإسلام و المسلمین آقای شیخ علیرضا صادقی که به عنوان سرآغازی در این یادنامه منتشر می‌شود.

باشد که به برکت نظارت و همکاری اساتید معظم و تلاش طلاب محترم، ما نیز در راستای فرمایش آن مرحوم اقدامی کرده باشیم که: «من جلال این بارگاه [علی بن موسی الرضا علیه السلام] را در این قبه‌ی طلانی بینم، بلکه در حوزه علمیه‌ای مشاهده می‌کنم که با چنین مقامی مناسب باشد.»

به عنوان نمونه:

میان مصلحت و مفسده‌ای که در متعلق امر و نهی است با بعث و زجری که نسبت به آن متعلق، تحقق می‌پذیرند هیچ اراده و کراهت یا حب و بغضی نسبت به مأموریه و منهی عنه یافت نمی‌شود، نه در مبده اعلی و نه در هیچ‌کدام از مبادی عالیه چرا که خداوند و اولیاء او تنها به آن چه بهره‌ای از ظهور دارد مرید و مشتاق اند البته با اراده و شوقی تبعی و نه بالذات.

آن‌گاه که حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ محمدحسین اصفهانی این نظریه عمیق را تقریر نمودند و بر خلاف آیه الله میلانی، بسیاری از حاضران در مجلس درس به ژرفای آن پی نبردند، سخن خویش را این‌گونه ختم نمودند که: فافهم أو ذره فی سنبله، فکل موفق لما خلیق له (نهایه الدرایه، ج ۳، ص ۱۴۶).

تتمه این مختصر سخن را عباراتی از حضرت آیه الله میلانی در تبیین آن چه گذشت قرار می‌دهم و خواننده مشتاق را برای آگاهی از تبیین تفصیلی به متون استاد ایشان ارجاع می‌دهم (نهایه الدرایه، ج ۲، ص ۳۶۵ و ۳۶۶)، باشد تا دروغ بودن اراده تشریحی و راست بودن اراده تشریح آفتابی تر گردد:

الف: ما بر تقدیری که اراده تشریحیه را قبول کنیم، اراده تشریحیه عبارت است از اراده تکوینی خود مولی به تشریح کردن خودش. اراده تشریحیه یعنی اینکه مولی اراده می‌کند تکویناً فعل اختیاری خودش را که عبارت است از بعث نه اینکه اراده تشریحیه عبارت است از اراده کردن مولی فعل اختیاری ای که تحت اختیار مکلف است... اراده مولی فعل غیر را که تحت اختیار غیر است، معقول نیست.

اراده تشریحیه را یا منکریم بتاتاً، و بر تقدیر اینکه اراده تشریحیه را قائل بشویم، اراده تشریحیه عبارت است از اراده تکوینی خود مولی به فعل خودش که عبارت از بعث کردن و تشریح کردن است (جلسه سیزدهم از صلاة القضاء).

ب: در اصول گفتیم و برهان اقامه کردم به اینکه ما اراده تشریحیه در عالم نداریم، و لایعقل هم اینکه اراده تشریحیه در عالم بوده باشد، صرف بعث است و انشاء است و غیر از این هیچ نیست (جلسه دهم از صلاة القضاء).

آن‌گاه که بختیار بودند و حلاوت محضر علمی حضرت آیه الله میلانی را چشیدند بارها از ایشان شنیدند که:

اراده تشریحیه لا یُعقل است.

این نوشتار در بردارنده تصویری بس کوتاه و در عین حال شفاف از پیشینه، متن و پاره‌ای از نتایج آن سخن عمیق و دیرپاب است.

دیرزمانیست که پس از تقسیم اراده به تکوینی و تشریحی، اراده تکوینی را به اراده متعلق به فعل مرید تفسیر می‌نمایند و از تعلق اراده‌ای دیگر با نام اراده تشریحی به فعل شخصی دیگر که هم مختار و هم غالباً از مرید فروتر است سخن می‌گویند.

هم‌چنان که عدم تخلف مراد از اراده را از ویژگی‌های اراده تکوینی برمی‌شمرد و به جواز بل وقوع آن تخلف در اراده و مراد تشریحی باور دارند. اما آن کس که با تأملی در درون دریابد که تنها تصدیقی که شوق را و سپس اراده را در پی دارد، تصدیق به فائده‌ای است که به ذات مصدق یا به یکی از قوای او عائد باشد، و نیز غنا و بی‌نیازی خداوند و اولیاء او را از منظر ذهن و ضمیر خویش دور نگرداند، دیگر نه تنها تعلق اراده تشریحی خداوند و اولیاء او را به افعال عباد نفی می‌نماید بل حتی نافی تعلق شوق الهی، نبوی و ولوی نسبت به آن چه فقط متعلق بعث و زجر است نیز خواهد گردید.

سپس با إلهام از تعبیراتی که در بعضی از روایات واصل (إِنَّ لِلَّهِ إِزَادَتَيْنِ وَ مَشِيئَتَيْنِ إِزَادَةٌ حَتْمٌ وَ إِزَادَةٌ عَزْمٌ نَهْيٌ وَ هُوَ يَشَاءُ وَ يَأْمُرُ وَ هُوَ لَا يَشَاءُ. الكافي، ج ۱، ص ۱۵۱. التوحید، ص ۶۴) وارد شده است، اراده تشریحی را به اراده تشریح تحویل برده و بر امر و بعث، و نهی و زجر تطبیق می‌نماید.

با این تحوّل، اراده تشریح نه به عنوان قسیم اراده تکوینی یا همان ابتهاج بل با عنوان قسمی از آن در زیر مجموعه آن جا می‌گیرد و طبعاً تخلف مراد از آن نیز ممتنع شمرده می‌شود.

دریافت شایسته آن چه بیان شد علاوه بر آن که مدرسان قرب به توحید افعالی است و باور به این که «این باد استغناى خداوند است که می‌وزد» را آسان می‌سازد، تلاطمی هم در بسیاری از بنات اصولی که آرام و مستحکم پنداشته شده‌اند ایجاد می‌کند.



آثار و تألیفات

مرحوم آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی در طول زندگی خود علاوه بر تدریس و تربیت طلاب، آثار و تألیفاتی هم دارند که عبارتند از:

آثار چاپ شده

- قادتنا کیف نعرفهم در ۵ جلد
- محاضرات فی فقه الإمامیة در ۶ جلد (مباحث خلل صلاة یک جزء، صلاة مسافر یک جزء، زکات دو جزء، خمس یک جزء، بیع یک جزء)
- حاشیه بر عروة الوثقی
- منهاج الاحکام (به زبان عربی)
- مختصر الاحکام (به زبان فارسی)
- توضیح المسائل
- خلاصة المسائل (به زبان فارسی)
- نخبة المسائل
- الرسالة الوجیزه (به زبان عربی)
- مناسک حج (به زبان فارسی)
- توضیح المناسک (به زبان فارسی و عربی)
- مختصر المناسک (به زبان فارسی)
- رساله در تأمین و یا نصیب (به زبان فارسی و عربی)
- رساله ای مشتمل از حواشی بر مجموعه ای از فتاوی مرحوم آخوند خراسانی
- تفسیر سوره مبارکه جمعه و تغابن
- صد و ده پرسش (مجموعه پاسخ به پرسشهای مختلف علمی، اعتقادی، تفسیری، فقهی، تاریخی و...)
- رساله ای در اصالة الصحة
- احکام سرقتی

آثار مخطوط

- رساله ای در منجزات مریض
- رساله ای در مشتق
- رساله ای در اجاره و مزارعة و مساقاة
- رساله ای در صلاة جمعه و صلاة مسافر
- حاشیه بر کتاب الهدی الی دین المصطفی (تالیف علامه بلاغی)
- حاشیه بر مناسک حج مرحوم شیخ اعظم انصاری
- رساله ای در استصحاب
- رساله ای در قرعه کشی
- ذخیره العباد
- حاشیه ای بر کتاب جامع عباسی (تالیف شیخ بهائی)
- حاشیه ای بر رساله اخذ الاجرة علی الواجبات (تالیف مرحوم آیت الله غروی اصفهانی)

فراخوان ارسال آثار «بر قله فقاها»

بزرگداشت فقیه متآله آیت الله العظمی سید محمد هادی حسینی میلانی رحمته الله علیه

«این مرد شناخته نشد و مقام ثبوتش به عقیده من از همه جهات زائد بر مقام اثباتش بود. چون نسبت بین ثبوت و اثبات عموم من وجه است. ولی ایشان از کسانی بود که آن چه داشت ثبوتاً، عملاً، بر اثباتش به مراتب می چربید.» حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی دام ظلّه

مدرسه مبارکه امام صادق علیه السلام در نظر دارد به منظور تجلیل و بزرگداشت از مقام علمی، اخلاقی و عرفانی حضرت آیت الله العظمی سید محمد هادی حسینی میلانی فراخوان آثار با عنوان «بر قله فقاها» را برگزار نماید.

محورهای آثار ارسالی

بخش علمی

- ۱) تبیین، نقد و بررسی آثار و اقوال آیت الله سید محمد هادی حسینی میلانی در حوزه علوم اسلامی - انسانی (بخش ویژه)
- ۲) نقش آیت الله سید محمد هادی حسینی میلانی در فراهم سازی خلأیت علمی در حوزه
- ۳) تبیین نقش آیت الله سید محمد هادی حسینی میلانی در انقلاب اسلامی (تأثیرها و تأثرها)
- ۴) تبیین سجایای اخلاقی و معنوی آیت الله سید محمد هادی حسینی میلانی
- ۵) جلوه های قرآن، حدیث و رجال در آثار آیت الله سید محمد هادی حسینی میلانی
- ۶) نقش آیت الله سید محمد هادی حسینی میلانی در ترویج فرهنگ اهل بیت علیهم السلام

بخش عمومی

- ۱) عکس و فیلم و صوت
- ۲) خاطرات

نحوه ارسال آثار

الف: یک نسخه چاپی در قطع A4 به صورت یک رو به همراه CD حاوی فایل Word و PDF با پست به آدرس: مشهد مقدس، چهارراه خسروی، کوچه شوکت الدوله، کوچه آیت الله قمی رحمته الله علیه، مدرسه مبارکه امام صادق علیه السلام
ب: از طریق ایمیل به نشانی: info@almilani.org

جهت اطلاعات بیشتر با واحد پژوهش مدرسه مبارکه امام صادق علیه السلام تماس حاصل فرمائید.
تلفن تماس: ۰۵۱-۳۲۲۴۰۱۲۴
آثار مورد پذیرش به صورت مستمر، منتشر خواهد شد.

دبیرخانه دائمی آثار مرحوم آیت الله العظمی میلانی رحمته الله علیه



گزیده‌ای از فرمایشات بزرگان

ایشان، واقعا گوهری ناشناخته بودند. چه در اعتقادات و چه در اخلاق و چه در افعال، بی‌گمان، در حد کمال قرار داشتند.

آیت الله العظمی وحید خراسانی

مرحوم آقای میلانی در دوران مرجعیت خود، در حوزه علمیه مشهد، سد بزرگی را شکستند که تصور آن هم مشکل بود. ایشان مدرسه و برنامه و امتحان را حاکم کردند که در حوزه های علمیه شیعه سابقه نداشت.

آیت الله العظمی سبحانی

مرحوم آیت الله العظمی خوئی این طور تعبیر می‌کردند؛ می‌فرمودند: نبینید که مرحوم آقای میلانی وقتی صحبت می‌کند من و من می‌کند، یعنی گاهی تأمل می‌کند، تند صحبت نمی‌کند، تأمل را منعکس می‌کند. چون آقای میلانی مدت‌ها تمرین کرده، ریاضت کشیده که اول روی حرفش فکر کند و کاملا سبک سنگین کند و بعد منتقل کند.

آیت الله دکتر سید فاضل میلانی

هنگام خروج ایشان از کربلا برای هجرت به مشهد مقدس، احساس می‌نمودم که نور قلبمان را از دست می‌دادیم! ایشان از منزل خارج و به همراه متعلقه‌شان سوار خودرو شده و حرکت کردند، با قلبی آکنده از اندوه با نگاهم ایشان را بدرقه می‌کردم، برای از دست دادن نمونه شاخص ادب، ایمان، وقار و اخلاق که از میانمان می‌رفت، می‌گریستم.

آیت الله سید مرتضی قزوینی

مرحوم آقای میلانی در پی ترویج مرجعیت و تبلیغ اعلمیت خودشان نبودند. این خصوصیت، ارزش والایی دارد؛ چرا که افتخارمان این است که مرجع تقلیدمان، به هیچ وجه مروج مرجعیت یا اعلمیت خود نیست.

آیت الله شمس

من هم در درس فقه آقا شرکت کردم و هم در درس اصول آقا، در درس اصول آقا تا وقتی یک مطلبی را به دست شاگرد نمی‌داد که دست خالی نرود. من الان به شما عرض می‌کنم درس آقای خوئی با درس آقا فرق داشت، یعنی آقا تحقیق می‌کرد، معنای این تحقیق این است که او می‌خواهد شاگردش مجتهد بشود، چه در فقه، چه در اصول.

آیت الله معصومی

این جمله را از ایشان دقیق یادم است، توی بحث جبر و تفویض بود، توی بحث‌های عقلی هم کار به مشکل می‌رسد، کسی پرسید که شما چه کار می‌کنید؟ بعد فرمودند که من در این مساله از حضرت صادق علیه السلام تقلید می‌کنم، گفتند آقا تقلید؟! فرمودند بله تقلید می‌کنم!

آیت الله سید جعفر سیدان

مرحوم آقای میلانی می‌فرمودند: شما سرباز هستید سرباز باید همیشه اسلحه‌اش همراهش باشد. اسلحه شما استدلال است.

حجت الإسلام و المسلمین امینی سبزواری

در کنار و گوشه افرادی حاضر نبودند درس بخواند، حتی آمدند و شیشه های مدرسه را شکستند، بد و بیراه گفتند، ولی مرحوم آقای میلانی تصمیم خود را گرفته بودند.

حجت الإسلام و المسلمین رجایی خراسانی

به نظر من که درس های گوناگون در حوزه علمیه قم و تهران رفتم، مرحوم آقای میلانی، وزنه ای سنگین تر از روزنه های علمی دیگری بود که در کشور وجود داشتند.

حجت الإسلام و المسلمین دکتر افتخارزاده

صدای علامه امینی بلند شد: خوشا به حال شما! خوشا به سعادت شما! حضرت آیت الله میلانی! قدر خودتان را بدانید و می‌دانم که قدر خودتان را میدانید. تکرارها و تأکیدهای علامه امینی قابل تأمل بود.

حجت الإسلام و المسلمین باقری سبزواری

تاسیس حوزه به طور کامل آن خلاء را در مشهد پر کرد، خیلی طلبه‌ها به عشق بودن ایشان در مشهد ماندند و خودشان را از رفتن به قم با بودن ایشان در مشهد بی‌نیاز می‌دانستند.

آیت الله سید رضی شیرازی

[وقتی مرحوم آقای میلانی به مشهد مشرف شدن طوری بود که قم متوجه به مشهد شد، توجه قم به مشهد اذعان به وجود مجتهدی اعلم و در حد اعلم بود

آیت الله العظمی گرامی

تمام افکار نابینی، تمام انظار مرحوم اصفهانی، همه در دستش بود، این‌ها را اهلش می‌فهمند.

آیت الله العظمی وحید خراسانی

یکی از تجار محترم همشهری از من خواست تا وقتی برای او بگیرم که خدمت آقا شرفیاب شود. او از نظر سن از من بزرگ‌تر بود و وانگهی از سادات، چون خواستیم وارد براتاق شویم تعارف کردم، مقدم شد، دست آقا را بوسید و مقابل آقا نشست، چون من وارد شدم، آقا فرمود بیا نزد من بنشین، که بدین وسیله خواستند از من طلبه احترام کنند. خلاصه طلبه و محصل را برای خودش دوست می‌داشتند و احترام می‌کردند، نه برای خودشان.

حجت الإسلام و المسلمین فضل



مؤسسہ ریزلڈنٹ اللہ العظمیٰ لمیلانی

لأحیاء الفکر الشیعی



آیت الله دکتر سید فاضل حسینی میلانی:

«در زمان حیات آن مرجع عالیقدر، طرح تأسیس بنیادی در نظر معظم له بود که اساسنامه آن نوشته شد. اعضای هیأت امنای آن موسسه، عبارت بودند از: آقا سید محمد علی میلانی و آقا سید مرتضی جزایری و بنده. متأسفانه رژیم سابق یعنی کسانی که در شهربانی خراسان و نیز سازمان امنیت بودند، فرصت ندادند که آن بنیاد شروع به فعالیت کند. بنابراین می توان گفت که معظم له همواره در اندیشه برنامه های حوزوی در مدارس علمیه خود بودند. اما مخالفت ها مجال نمی داد که به سامان برسد. مدرسه هایی که از آنها یاد کردیم یکی پس از دیگری، مشمول طرح شد و نابود گشت. از این لحاظ باید گفت که با واقعیت تلخ مواجه شدیم.» (طرح توسعه اطراف حرم مطهر رضوی علیه السلام)، که در نتیجه آن فقط مدرسه مبارکه امام صادق علیه السلام باقی مانده است.)

نظم و انضباط و برنامه های نوین، از خصوصیات بارز سیستم آموزشی مرحوم آقای میلانی علیه السلام بود به نحوی که در آن زمان (۵۰ سال قبل) مدارس ایشان بر اساس امتحانات برای تعیین پایه طلاب برنامه ریزی شده و محتوای درسی مانند ادیان و مذاهب و زبان انگلیسی در برنامه های درسی قرار گرفته بود! با همین دیدگاه تأسیس بنیادی جهت تحقیق، پژوهش و تبلیغ در برنامه کار ایشان قرار داشت که با موانع آن روزگار محقق نشد. بحمد الله، منتسبین به آن مرحوم از نسل دوم و سوم، در سال ۱۳۸۵ فعالیت محدودی را تحت عنوان بنیاد مرحوم آقای میلانی علیه السلام آغاز نمودند و به توفیق الهی این فعالیت ها روز به روز از لحاظ کمی و کیفی در حال توسعه است. بنیاد بخش های مختلفی دارد که عبارتند از بخش رسانه، فناوری اطلاعات، تحقیق و پژوهش. فعالیت های بنیاد چند زبانه بوده و مخاطبین آن گستره جهانی دارند.

مهمترین پروژه های انجام شده و جاری بنیاد عبارتند از

جمع آوری، بازبینی و نشر آثار ایشان؛ در مدت فعالیت بنیاد، یکی از اهتمامات دائمی، حفظ آثار مکتوب ایشان می باشد. آثار اختصاصی و مشترک چاپ شده عبارتند از: قادتنا کیف نعرفهم (۵ جلد)، محاضرات فی فقه الإمامیه (۶ جلد)، علم و جهاد (۲ جلد)، دیدگاه های علمی (۱ جلد) و آثاری که مراحل نهائی آماده سازی جهت نشر را طی می کنند عبارتند از: شناخت نامه (۱ جلد)، مرجع آگاه (۲ جلد) و مجموعه پژوهش های علمی، زندگی نامه تحلیلی و اسناد (حدود ۴ جلد).

دیجیتایز دروس مرحوم آقای میلانی علیه السلام: بخش زیادی از مباحث خارج فقه ایشان بر روی نوارهای ریلی است که حتی با گذشت زمان زیادی از ضبط آنها، عمدتاً به صورت دیجیتال تبدیل شده است. این پروژه حدود ۴ سال به طول انجامید و نهایتاً غالب این نوارها به صورت قابل استفاده تبدیل شد. متن بخش معتنا بهی از دروس نیز به صورت اولیه پیاده گردید. (همزمان با سالگرد چهلمین سالگرد رحلت ایشان، این دروس منتشر خواهد شد).

بخش فناوری اطلاعات بنیاد، اقدام به فعالیت های اساسی جهت فراهم نمودن بستر ارائه و نشر علوم اهل بیت علیهم السلام با استفاده از فناوری های به روز و شیوه های منحصر به فرد نموده که "طرح قادتنا" جهت تولید جمعی محتوا و ارائه ابزارها و خدمات به مؤسسات شیعه در قالب iShia CMS پیشرفت بسیار خوبی دارد و امید است به توفیق الهی تا پایان سال ۱۳۹۵، این سرویس به صورت عمومی ارائه شود. از دیگر پروژه های این بخش، پروژه شیعه iShia Project می باشد که تا کنون توفیقات زیادی در زمینه تولید و عرضه نرم افزارهای موبایل برای سیستم عامل های اندروید و اپل داشته که به عنوان مثال نرم افزار کتابخانه شیعه iShia Books انتشار جهانی یافته و بسیار مورد استقبال مخاطبین قرار گرفته است پرتال ورود و پردازش اطلاعات جهت ارائه در نرم افزارهای موبایل نیز با طراحی و به بهره برداری رسید است.

